



موانع سیاسی و اقتصادی در مبارزه با فساد اقتصادی در سطوح مدیریتی:

بازخوانی دیدگاه‌های رهبران انقلاب

فاطمه طالبی زرین کمر^۱، *مسعود مطلبی^۲، عبدالرضا بای^۳

چکیده

پیشرفت و تعالی اقتصادی جوامع، و به تبع آن، تحقق توسعه پایدار در سطح جهانی، مستلزم برخورداری از ساختارهای اقتصادی سالم، شفاف و به دور از هرگونه فساد ساختاری و سیستمی است. بدیهی است که دستیابی به استقلال اقتصادی تنها در سایه تأمین امنیت سرمایه‌گذاری و ایجاد بسترهای اعتماد آفرین برای فعالان اقتصادی امکان‌پذیر خواهد بود؛ مؤلفه‌ای که به نوبه خود، زمینه‌ساز شکوفایی ظرفیت‌های ملی و تحقق اهداف کلان توسعه‌محور در کشور می‌گردد.

تحقیق حاضر با هدف واکاوی موانع سیاسی و اقتصادی در مسیر مبارزه با فساد اقتصادی، با تکیه بر دیدگاه‌ها و آموزه‌های اندیشگان انقلاب اسلامی، به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی و از طریق بررسی منابع و اسناد کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که ریشه‌های اصلی بروز و گسترش فساد اقتصادی، به‌ویژه در حوزه عمومی، عمدتاً از میزان تصدی‌گری دولت در عرصه اقتصاد ناشی می‌شود؛ عواملی نظیر محدودیت‌های تجاری، تخصیص یارانه‌های صنعتی، نظام چندرنخی ارز، کنترل‌های قیمتی، سطوح نازل دستمزد در بخش‌های دولتی و تجاری، و اتکای بیش از حد به ذخایر طبیعی همچون نفت، همگی زمینه‌ساز بروز ناکارآمدی و انحرافات اقتصادی بوده‌اند.

فساد اقتصادی نه تنها سبب کاهش حجم سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی می‌گردد، بلکه با ایجاد اختلال در روند رشد اقتصادی، مانع از تحقق اهداف توسعه‌ای می‌شود. از تبعات ثانویه آن می‌توان به

۱. دانشجوی رشته علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.



کاهش درآمدهای مالیاتی دولت، افت کیفیت زیرساخت های اقتصادی و تنزل کارایی خدمات عمومی اشاره نمود که همگی موجب تضعیف اعتماد عمومی و افزایش شکاف های اجتماعی می گردند. در راستای ارائه راهکاری نظام مند برای مقابله با مفساد اقتصادی و اداری، چارچوبی جامع در قالب چهار مرحله اصلی پیشنهاد شده است که عبارتند از:

۱. پیشگیری نهادی: شامل تقویت شفافیت و پاسخگویی، چابک سازی نظام اداری، ارتقای ارزش های اخلاقی در نظام حکمرانی، ساماندهی ساختار اقتصادی، حفظ کرامت انسانی در ساختارهای حاکمیتی و تحقق هم راستایی راهبردی میان نهادهای کلان.

۲. پیشگیری اجتماعی: از طریق آموزش همگانی، افزایش مشارکت شهروندان در فرآیندهای نظارتی، نهادینه سازی رقابت سالم سیاسی و تقویت بسترهای اخلاقی در جامعه.

۳. نظارت کارآمد: مبتنی بر تلفیق سه گانه ی نظارت مدنی، نظارت تخصصی و نظارت دولتی، که در قالب یک نظام نظارتی یکپارچه و هوشمند، به ارتقاء شفافیت و پاسخگویی نهادهای حاکمیتی خواهد انجامید.

۴. نظام مقابله مؤثر با تخلفات: شامل تدوین و اجرای مجازات های قاطع و بازدارنده، گسترش همکاری های قضایی فراملی، و افزایش کارآمدی و تسریع در روند رسیدگی قضایی به پرونده های فساد.

در بازخوانی مبانی انقلاب اسلامی و آرای حضرت امام خمینی^(ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، مبارزه با مفساد اقتصادی به عنوان یکی از ارکان بنیادین و اصول تغییرناپذیر نظام جمهوری اسلامی معرفی شده است. چنان که مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۰ با صدور فرمان هشت ماده ای، ضرورت مقابله نظام مند با فساد اقتصادی را تبیین نمودند و در پی آن، نهادسازی برای این امر در قالب «ستاد مرکزی مبارزه با مفساد اقتصادی» صورت گرفت. این اسناد، گویای اهتمام جدی نظام در برخورد راهبردی، ساختاری و مستمر با پدیده فساد در تمامی سطوح مدیریتی و اقتصادی کشور است.

واژگان کلیدی: موانع سیاسی، مبارزه، فساد اقتصادی، دستگاه های حاکمیتی، رهبران جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

پدیده ی فساد و انحرافات اقتصادی، در بستر جمهوری اسلامی ایران نیز، همانند سایر جوامع، به عنوان یکی از چالش های ساختاری و چندوجهی در عرصه ی حکمرانی مدرن مطرح است؛ با این تفاوت اساسی که نظام جمهوری اسلامی، برخلاف نظام های سکولار، مبتنی بر بنیان های ارزشی، الهی و عدالت محور است که ذاتاً باید تسهیل گر فرایندهای پیشگیرانه و بازدارنده در قبال مفاسد اقتصادی باشد. با این حال، بررسی تطبیقی وضعیت موجود نشان می دهد که نه تنها این خصیصه ی ایدئولوژیک نتوانسته به مهار و تضعیف فساد بینجامد، بلکه در برخی سطوح، به نحو پارادوکسیکالی بر پیچیدگی های آن افزوده و ابعاد تقنینی، اجرایی و نهادی مبارزه با فساد را با چالش های مضاعفی مواجه ساخته است.

در پرتو این تعارض آشکار میان مبانی نظری و عملکردهای عینی، پرسشی بنیادین سر برمی آورد: کدام الگوی نهادی و کدامین ساختار سیاست گذاری در نظام تدبیر امور کشور حاکم است که با وجود تمهیدات شرعی، قانونی و اخلاقی مبتنی بر حاکمیت الهی، سازوکارهای مقابله با فساد از کارآمدی و اثربخشی لازم برخوردار نیستند؟ تأمل در پاسخ به این پرسش، مستلزم تحلیل لایه های مختلف حکمرانی، اعم از ساختارهای رسمی، نهادهای واسط، شبکه های قدرت، و همچنین گفتمان های سیاسی مسلط در برخورد با پدیده ی فساد است. بی تردید، فهم مسئله ی فساد در جمهوری اسلامی، نیازمند نگرشی نظام مند، فراروی از تقلیل گرایی حقوقی و پرداختن به ریشه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی روان شناختی آن است.

مطالعات نشان می دهد که گفتمان ضدفساد در ایران، عمدتاً از انسجام درونی لازم در چرخه سیاست گذاری - شامل مراحل مسئله یابی، سیاست گذاری کلان، تدوین راهبرد، اجرا و ارزیابی - بی بهره بوده و اغلب واکنشی، موردی و شخص محور ظاهر شده است. در این میان، اهمیت تحقیق حاضر از آن جهت مضاعف می گردد که فساد اقتصادی نه صرفاً یک انحراف اجرایی یا اداری، بلکه نوعی تهدید ساختاری علیه هستی شناسی نظام اسلامی و مشروعیت آن محسوب می شود. فساد، پدیده ای است ویروس گون با ویژگی های بازتولیدپذیر، پنهان، نهادینه شونده و قابل گسترش



در تار و پود نظام اداری و اقتصادی؛ که در صورت غفلت، قادر است بنیان‌های اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و حتی اعتقادی جامعه را به انحطاط بکشاند.

تجربه تاریخی نشان داده است که مفساد اقتصادی در صورت سازمان‌یافتگی و امتداد به لایه‌های بالای تصمیم‌گیری، از ظرفیت بالایی برای تضعیف سرمایه اجتماعی، تخریب اعتماد عمومی، کاهش شفافیت، و نهایتاً تهدید وحدت ملی برخوردارند. از سوی دیگر، چنانچه مواجهه با این پدیده بدون برخورداری از منطق جامع، ارزیابی همه‌جانبه و روش‌شناسی مقتضی صورت پذیرد، خود می‌تواند به عاملی بازدارنده در مسیر سرمایه‌گذاری، بی‌ثبات‌سازی فضای کسب و کار، و تضعیف امنیت اقتصادی بدل گردد. مبارزه با فساد، از این حیث، مصداق کامل «حرکت بر لبه تیغ» است؛ بدین معنا که غفلت از آن، موجب تعمیق زخم‌های اقتصادی و سیاسی کشور خواهد شد، و برخورد نسنجیده با آن، نظام تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری را دچار اختلال می‌نماید.

ابعاد مخرب این پدیده، در صورت استمرار، بسیار فراتر از ناکارآمدی اقتصادی است؛ چرا که فساد سیستمی، می‌تواند زوال اخلاق عمومی، افول معنویت اجتماعی، افلاس اندیشه و انحطاط فرهنگی را در پی داشته باشد. در چنین فضایی، علم و پژوهش معنا و انگیزه‌ی خود را از دست می‌دهند، امید به آینده تضعیف می‌شود، و سبک زندگی اسلامی - که قرار است مبنای نظم اجتماعی اسلامی باشد - در مقام کارآمدی، به چالش کشیده می‌شود. فساد، نه تنها سرمایه‌گذاران داخلی را دلسرد می‌سازد، بلکه با دامن‌زدن به نابرابری‌های سیستماتیک، شکاف میان ملت و حاکمیت را تعمیق بخشیده و در نهایت، موجب تزلزل اقتدار ملی خواهد شد.

بنابراین، مبارزه با فساد اقتصادی، ضرورتی صرفاً اداری یا حقوقی نیست؛ بلکه یک ضرورت تمدنی، راهبردی و حیثیتی است. این مواجهه نیازمند عزمی جزم، بینشی ژرف و برنامه‌ای دقیق و چندسطحی است. آنچه پیش از هر اقدام عملی لازم است، شناسایی نظام‌مند علل و بسترهای سیاسی و اقتصادی فساد، واکاوی کارنامه‌ی نهادهای متولی مبارزه، و تبیین نارسایی‌ها و گسست‌های موجود در استراتژی‌های اجرا شده در جمهوری اسلامی است (خضری، ۱۳۹۵: ۳۷).

در این راستا، مجموعه‌ای از چالش‌های اساسی به‌عنوان گره‌گاه‌های تحلیلی و انتقادی مطرح می‌شوند که پاسخ به آن‌ها، می‌تواند افق روشنی برای بازتعریف سیاست‌گذاری ضدفساد ترسیم نماید:

- نظام تقنینی و اجرایی جمهوری اسلامی ایران، در برابر کارویژه‌ی عظیم ریشه‌کنی فساد، چه میزان موفق به استقرار یک ساختار پاسخگو، شفاف، و مستقل شده است؟
- کارآمدی نهادهای نظارتی، مالی و اجرایی در مقام نهادهای تخصصی، تا چه اندازه به تحقق اهداف بازدارنده در این حوزه منجر شده است؟
- نارسایی‌های بنیادین استراتژی‌های کنونی در چیست و چه میزان از آن‌ها متأثر از ملاحظات سیاسی، تعارض منافع و ضعف در نهادسازی بوده‌اند؟
- و نهایتاً آنکه: برای تحقق توسعه‌ی پایدار، کاهش فقر و برقراری عدالت اجتماعی، چه نوع بازمهندسی نهادی و بازطراحی حکمرانی لازم است تا سازوکار مقابله با فساد نه در سطح شعار، بلکه در عرصه‌ی واقعیت و عمل اجتماعی، تحقق یابد؟

از این منظر، فقدان شناخت عمیق از ریشه‌ها و موانع سیاسی و اقتصادی فساد، و غفلت از بازخوانی دیدگاه‌ها و رهنمودهای راهبردی رهبران انقلاب اسلامی در خصوص اولویت مبارزه با مفساد اقتصادی، نوعی تقلیل امر حکمرانی به سطح اداری و مدیریتی صرف محسوب می‌گردد؛ و تلاش‌های بدون تحلیل عمیق در این زمینه، جز کوبیدن آب در هاون، ثمری نخواهد داشت.

چارچوب نظری

فساد اقتصادی و پیامدهای آن

فساد مالی و اقتصادی را می‌توان به‌عنوان یکی از مصادیق بارز جرایم سازمان‌یافته و پیچیده در ساختارهای حکمرانی دانست که به‌واسطه‌ی اختلاط منافع خصوصی و عمومی، زمینه‌ساز فروپاشی اصول بنیادین عدالت، شفافیت و پاسخ‌گویی در دولت‌های مدرن می‌گردد. در معنای گسترده، فساد به طیفی از کنش‌ها و رفتارهای مغایر با اصول قانونی، اخلاقی و هنجاری اطلاق می‌گردد که شامل ارتشاء، اختلاس، تبانی، تقلب، خرید آراء، سوءاستفاده از مقام و موقعیت، خیانت در امانت،



پرداخت‌های غیرقانونی در انتخابات، و حمایت‌های غیرمجاز مالی از نامزدهای سیاسی می‌باشد (لطفیان، پیشین: ۱۸۸-۱۸۹). چنین کنش‌هایی، به‌رغم جرم‌انگاری صریح در غالب نظام‌های حقوقی، کماکان با شدت و بسامدی فزاینده در سطوح مختلف نظام اداری و سیاسی کشورها قابل مشاهده‌اند.

از منظر مفهومی، نهادهای بین‌المللی نظیر بانک جهانی، فساد را «سوءاستفاده از مناصب عمومی جهت تأمین منافع شخصی» تعریف نموده‌اند؛ تعریفی که با تأکید بر عنصر قدرت، محور تحلیل‌های ساختاری پیرامون فساد اقتصادی را به سوی نهادهای دولتی و ساختارهای قدرت هدایت می‌کند. در دهه‌ی ۱۹۹۰، افزایش آگاهی جهانی نسبت به پیامدهای فزاینده فساد، به تصویب اسناد مهمی همچون کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد سازمان ملل متحد (UNCAC) انجامید که در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ به تصویب مجمع عمومی رسید و متعاقباً بیش از ۱۳۰ کشور آن را امضا نمودند (لطفیان، پیشین: ۲۰۱). مبنای اثباتی فساد نه تنها نقض نصوص قانونی، بلکه انحراف از هنجارهای اجتماعی، اخلاقی و عرفی است؛ به‌ویژه آنکه بسیاری از اشکال فساد، به واسطه‌ی تباری و همدستی عوامل دولتی رخ می‌دهند و به‌همین سبب در زمره‌ی فساد اداری نیز طبقه‌بندی می‌گردند (زمانی، ۱۳۸۸: ۳۷).

فساد اقتصادی دارای طیفی متنوع و چندلایه از مصادیق است که گاه آشکارا و گاه در بسترهای پنهان و پیچیده‌ی حقوقی و اداری رخ می‌دهد. انگیزش‌های فردی برای ارتکاب فساد می‌تواند از سودجویی شخصی تا انتقام‌جویی سیاسی متغیر باشد، اما آنچه قطعی است، پیامدهای فاجعه‌بار آن بر نظام اقتصادی و اجتماعی است. فساد، کارکرد بازار رقابتی را مختل می‌کند، بهره‌وری را کاهش می‌دهد، فضای سرمایه‌گذاری را ملتهب می‌سازد و نهایتاً بهای آن را عموم جامعه و به‌ویژه طبقات محروم پرداخت می‌کنند.

مطالعات اقتصادی نشان می‌دهد که ریشه‌های ساختاری فساد اقتصادی عمدتاً در تصدی‌گری گسترده‌ی دولت در عرصه‌ی اقتصاد نهفته است. عواملی نظیر محدودیت‌های تجاری، یارانه‌های ناکارآمد صنعتی، کنترل‌های قیمتی، چندگانگی نرخ ارز، نظام پرداخت ناکافی در بخش عمومی،

و تمرکز منابع طبیعی نظیر نفت در اختیار نهادهای دولتی، بستری مناسب برای بروز فساد فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی، فساد اقتصادی منجر به کاهش نرخ سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، کندی فرآیند رشد اقتصادی، فرار سرمایه و زوال تدریجی بنیان‌های توسعه‌ای می‌گردد؛ درآمدهای مالیاتی تنزل یافته و کیفیت زیرساخت‌های عمومی و خدمات دولتی دچار افت محسوس می‌شود.

سازمان‌های بین‌المللی متفق‌القول اند که فساد مالی و سیاسی، یکی از موانع اصلی در مسیر تحقق توسعه‌ی پایدار و استقرار حکمرانی مطلوب در کشورهای در حال توسعه است. به‌طور خاص، در جوامعی که شاخص‌های فساد صعودی است، امنیت انسانی، نظم اجتماعی، عدالت توزیعی، و انسجام ملی در معرض تهدیدهای جدی قرار می‌گیرد (آزفر، ۲۰۱۰: ۴۳). افزون بر این، فساد به‌واسطه‌ی تضعیف منابع عمومی، موجب گسترش فقر، تشدید نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی، و تضعیف نهادهای رسمی می‌گردد. در این فضا، سیاست‌های عمومی ناکارآمد، رانت‌جویی فراگیر، و شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی، پیامدهای مستقیم این معضل ساختاری خواهد بود.

از حیث تأثیر گذاری، اقشار محروم و کم‌درآمد، نخستین قربانیان فساد اقتصادی‌اند؛ چرا که انحراف منابع عمومی، از جمله بودجه‌های بخش آموزش، بهداشت، حمل‌ونقل عمومی و امنیت اجتماعی، مستقیماً بر کیفیت زندگی آن‌ها اثر منفی می‌گذارد. در این میان، یکی از ابعاد خطرناک فساد، تضعیف عدالت بین‌نسلی و ایجاد ناترازی در توزیع فرصت‌هاست که به شکل‌گیری چرخه‌های نابرابری مزمین منجر می‌شود.

مهم‌ترین سیاست‌ها و راهکارهای مقابله با فساد، عمدتاً حول محورهایی چون: تأسیس نهادهای مستقل مبارزه با فساد، افزایش شفافیت مالی و نظارت عمومی، بهبود نظام پرداخت در بخش عمومی، کاهش مداخلات دولت در بازار، تمرکززدایی، ارتقاء فرهنگ عمومی و اخلاق اداری، استقلال دستگاه قضایی، و تقویت رسانه‌های آزاد و مستقل قابل طرح است. این اصلاحات، در صورتی که به صورت منسجم و یکپارچه اجرا گردند، می‌توانند بستر پویایی اقتصادی را فراهم آورده و موتور محرکه‌ی رشد و شکوفایی اقتصادی در مقیاس ملی و حتی منطقه‌ای باشند.



در نهایت، می توان اذعان داشت که فساد اقتصادی، نه یک بحران زودگذر، بلکه معضلی چندبعدی و چندسطحی است که مستلزم نگرش سیستماتیک، بازمهندسی نهادهای حکمرانی، و برخوردی ساختاریافته در ابعاد حقوقی، فرهنگی، اداری و سیاسی می باشد. تنها در پرتو چنین رویکردی می توان به ریشه کنی این پدیده و ایجاد بستر تحقق توسعه ای پایدار و عدالت محور امیدوار بود.

زمینه ها و علل وقوع فساد

تحقق پدیده ی فساد را می توان منوط به تقاطع و هم زمانی دو مؤلفه ی بنیادی دانست: قصد ارتکاب و فرصت ساختاری برای وقوع آن. این هم افزایی ناهنجار در بستر مناسبات نهادی، اجتماعی و اقتصادی، به یکی از پیچیده ترین مسائل حکمرانی در جوامع مدرن بدل شده است. از جمله عواملی که زمینه ساز شکل گیری نیت فردی برای مشارکت در فرآیندهای فاسد هستند، می توان به متغیرهایی چون مشکلات اقتصادی - معیشتی، هنجارها و نگرش های گروهی تسهیل گر فساد، احساس نارضایتی یا انتقام جویی از ساختار، و فشار گروه هم نقش (نظیر همکاران و همتایان) اشاره کرد. این عوامل، کارگزار دولتی را در معادله ای اخلاقی - مصلحتی قرار می دهند که در آن، ارتکاب به فساد در نتیجه ی برتری محاسبه ی سود بر هزینه ی اخلاقی و قانونی، به گزینه ای عقلانی بدل می شود.

در این میان، دخالت های دولت در بازار آزاد را می توان یکی از کانون های مولد فرصت های فاسد دانست. هنگامی که رقابت در بازار دچار خدشه شده و انحصارات شبه دولتی یا امتیازات رانتی پدید می آیند، کارگزاران دولت با ابزارهایی همچون صدور مجوز، تخصیص منابع یا تعرفه گذاری، در جایگاهی قرار می گیرند که می توانند به ازای دریافت رشوه، دسترسی به این امتیازات را واگذار کنند. بدین سان، هرگونه کاهش در میزان رقابت پذیری اقتصادی، زمینه ساز افزایش فساد اداری از طریق ایجاد مشوق های مالی غیرقانونی برای کارکنان دولت خواهد شد.

مطالعات تطبیقی، رابطه ی مستقیم میان سطح دخالت دولت در اقتصاد و بروز فقر در جوامع را تأیید می کنند. در چنین شرایطی، آزادسازی اقتصادی به مثابه یکی از مکانیسم های سیاست گذاری

ضدفساد مطرح می‌گردد. انتقال فعالیت‌های اقتصادی از بخش عمومی به بخش خصوصی، کاهش سهم دولت از تصدی‌گری اقتصادی، و برقراری سازوکارهای رقابتی، به‌ویژه در بستر اصلاحات ساختاری، از راهبردهای کلان برای تضعیف بسترهای فساد به شمار می‌روند. با این حال، فرآیند آزادسازی اقتصادی نیازمند زیرساخت‌هایی چندلایه شامل: تقویت نهادی، اصلاحات بازار، تمرکززدایی از اقتدار اجرایی، شفاف‌سازی قیمت‌گذاری، خصوصی‌سازی مبتنی بر قواعد شفاف، و ایجاد دولت کارآمد است.

باید توجه داشت که چنین اصلاحاتی، با وجود پیامدهای بلندمدت مثبت، در کوتاه‌مدت ممکن است کاهش در درآمدهای دولت (نظیر مالیات‌های گمرکی) و حتی اعمال مالیات‌های جدید با آثار بازتوزیعی معکوس بر اقشار فقیر را به دنبال داشته باشد. بنابراین، توازن میان آزادسازی و عدالت اجتماعی، نیازمند رویکردی متعادل، مرحله‌بندی‌شده، و با پیوست‌های حمایتی است.

از حیث تحلیل ریشه‌شناختی، فساد نه پدیده‌ای مستقل، بلکه پیامدی از دو عامل بنیادین و هم‌افزا یعنی فقر و تبعیض است؛ و خود این دو عامل نیز، از دل ناتوانی ساختاری حکومت در تأمین کارآمدی و مشروعیت عملکردی زاده می‌شوند. کارآمدی دولت، شرط لازم برای تثبیت مشروعیت در نظام‌های سیاسی مدرن است؛ و زمانی که عملکرد دولت در توزیع منابع، تضمین خدمات عمومی، و ایجاد فرصت‌های برابر دچار نقص باشد، بسترهای مشروعیت نیز دچار فروپاشی تدریجی می‌گردند. در جوامعی که سطح فساد بالا است، معمولاً درصد جمعیتی که زیر خط فقر زیست می‌کنند نیز به طرز معناداری بیشتر است. از این منظر، یکی از انگیزه‌های اصلی برای فساد خرد (فساد در سطح کارگزاران پایین‌مرتب)، فقر و دریافت حقوق ناکافی است؛ چراکه پایین بودن هزینه فرصت از دست دادن شغل دولتی در اثر کشف فساد، مشوق ارتکاب آن می‌گردد.

افزون بر این، هنگامی که فساد به سطحی برسد که نهادینه گردد، درآمدهای مالیاتی دولت دچار نقصان شده و متعاقباً دولت از توانایی مالی برای تأمین حقوق کارمندان و ارائه خدمات



عمومی بازمی ماند. در چنین وضعیتی، فساد و ناکارآمدی به دور باطلی بدل می شوند که هر یک، علت و معلول دیگری اند. فساد، خود باعث کاهش اعتماد عمومی، فرار سرمایه و بی ثباتی سیاسی-اقتصادی می شود و این بی ثباتی، به نوبه ی خود، موجب گسترش فساد می گردد.

از سوی دیگر، افزایش حضور نهادهای غیردموکراتیک، نظیر نهادهای فاقد نظارت عمومی، نهادهای نظامی-اقتصادی یا شبه دولتی که خارج از مدار پاسخ گویی رسمی عمل می کنند، میزان فساد بالقوه را در جامعه به صورت تصاعدی افزایش می دهد. برعکس، جوامعی که دارای سطوح بالاتری از توسعه نهادی، مشارکت عمومی، شفافیت اطلاعاتی و پاسخ گویی هستند، به دلیل حضور سازوکارهای کنترل قدرت، ظرفیت بروز فساد کمتری دارند (فرچ پور، ۱۳۸۱: ۱۲-۱۰).

آثار و پیامدهای جرائم و مفاسد اقتصادی

جرائم اقتصادی به مثابه پدیده ای چندبعدی، واجد پیامدهایی ژرف و دامنه دار بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و حکمرانی کشورها هستند. اثرگذاری این نوع جرائم نه تنها در سطح خرد و فردی، بلکه در قالب تهدیدی ساختاری برای ثبات اقتصادی و سیاسی قابل تحلیل است. در ادامه، مهم ترین تبعات این جرائم در قالب رویکردی نظام مند و تحلیلی بررسی می گردد:

۱. تضعیف امنیت اقتصادی و برهم خوردگی شفافیت نهادی

فساد مالی به عنوان یکی از خاستگاه های بنیادین ناپایداری های اقتصادی، کارکرد نهادهای رسمی اقتصادی را مختل کرده و بستر اعتماد متقابل در تعاملات اقتصادی را از بین می برد. در سایه چنین شرایطی، فرآیندهای مولد و سازنده اقتصادی جای خود را به فعالیت های غیرمولد و تبهکارانه می دهند، و اصل شفافیت مالی، که یکی از ارکان اقتصاد سالم و مبتنی بر قانون مندی است، به حاشیه رانده می شود.

۲. بی ثبات سازی بنیادهای حکمرانی

در نظام هایی که فساد به یک رویه مرسوم بدل شده است، پیامد طبیعی آن بی اعتمادی عمومی نسبت به ساختار سیاسی حاکم است. این بی اعتمادی، که نتیجه انتصاب های رانتی، تخصیص های گزینشی منابع، و فقدان عدالت در دسترسی به خدمات عمومی است، انسجام سیاسی را متزلزل

ساخته و مشروعیت حاکمیت را تضعیف می‌کند. در چنین فضایی، نهادهای نظارتی نظیر سیستم مالیاتی، به جای مقابله با فساد، بعضاً در آن مشارکت می‌جویند.

۳. تشدید فعالیت‌های زیرزمینی و اقتصاد غیررسمی

فساد زمینه‌ساز رشد اقتصاد غیررسمی و فعالیت‌های زیرزمینی نظیر قاچاق و فرار مالیاتی است. این پدیده، چرخه‌ای معیوب پدید می‌آورد: کاهش درآمدهای دولت منجر به افزایش نرخ مالیات می‌شود؛ این افزایش فشار مالیاتی، انگیزه‌های جدیدی برای پنهان‌کاری و فساد ایجاد می‌کند؛ و بدین ترتیب، دولت در تله‌ای مالی گرفتار می‌شود که خود آن را ناخواسته بازتولید کرده است.

۴. تزلزل در امنیت سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت

در شرایطی که نظام اقتصادی آلوده به فساد است، امنیت حقوقی و اقتصادی فعالان بخش خصوصی مورد تهدید واقع می‌شود. در نتیجه، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی از ورود به پروژه‌های بلندمدت که مستلزم اعتماد به ثبات و انصاف نهادی است، خودداری می‌کنند و به سوی سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت، منعطف و غیرمولد سوق می‌یابند. این روند، نهایتاً به فرار سرمایه، کاهش عمق بازار سرمایه، و آسیب به فرآیند توسعه پایدار منجر می‌گردد.

۵. انحراف منابع عمومی از اولویت‌های اساسی

فساد سبب می‌شود که تخصیص منابع عمومی بر مبنای اولویت‌های توسعه‌ای و رفاهی انجام نگیرد. در عوض، پروژه‌هایی مورد توجه قرار می‌گیرند که امکان استخراج رانت در آن‌ها بالاست. برای مثال، در رژیم‌های فاسد، طرح‌های سلامت عمومی، آموزش یا نگهداری زیرساخت‌ها، به نفع پروژه‌های عمرانی پرهزینه و غیرضروری کنار گذاشته می‌شوند که زمینه‌ساز ارتکاب فساد از طریق قراردادهای کلان، خرید تجهیزات، و پیمان‌سپاری‌های رانتی هستند.

۶. تضییع ظرفیت‌های انسانی و انحراف استعدادها

در یک فضای فسادآلود، گزینش و ارتقاء نیروی انسانی به‌جای شایستگی، بر مبنای وابستگی و روابط غیررسمی صورت می‌گیرد. این روند، سبب مهاجرت مغزها، دلسردی نیروهای خلاق، و هدررفت استعدادهای مولد می‌شود. هنگامی که حقوق مالکیت فکری و دستاوردهای نوآورانه به رسمیت شناخته نشوند، انگیزه برای تلاش علمی و کارآفرینی به شدت کاهش می‌یابد.



۷. افزایش هزینه‌های مبادلاتی و تضعیف رقابت‌پذیری اقتصاد

فساد باعث می‌شود هزینه انجام معاملات تجاری فراتر از هزینه‌های اقتصادی معمول باشد. فرآیندهایی نظیر اخذ مجوز، ترخیص کالا، یا مشارکت در مناقصات، مستلزم پرداخت‌های غیررسمی می‌گردند. در نتیجه، رقابت‌پذیری فعالان اقتصادی کاهش یافته، انگیزه برای نوآوری و رقابت سالم در بازار از بین می‌رود، و سرمایه‌گذاری مولد به نفع فعالیت‌های رانتی و سفته‌بازی عقب می‌نشیند.

۸. تعمیق فقر و نابرابری‌های اجتماعی

در جوامعی که فساد نهادینه شده است، عدالت توزیعی به شدت آسیب می‌بیند. منابع مالی دولت که می‌توانست صرف آموزش، بهداشت، و حمایت اجتماعی از اقشار آسیب‌پذیر شود، در کانال‌های رانتی و مصارف نظامی یا تجملاتی مصرف می‌گردد. در این وضعیت، فرصت‌های توانمندسازی اقتصادی (نظیر تسهیلات برای بنگاه‌های کوچک) از دسترس فقرا خارج شده و شکاف اجتماعی تعمیق می‌یابد. بدتر آنکه، رژیم‌های فاسد تمایل دارند هزینه‌های دفاعی و امنیتی را بر هزینه‌های خدمات اجتماعی مقدم بدانند، که خود به بازتولید فقر منجر می‌شود.

پیشینه تحقیق

تحقیقات داخلی

به منظور تعمیق و گسترش دامنه دانشی مرتبط با موضوع تحقیق، فرایند جستجو و واکاوی در پایگاه‌های اطلاعاتی گوناگون، بدون محدودیت زمانی، صورت گرفت. در این میان، مجموعه‌ای از آثار پژوهشی که دارای قرابت مفهومی و روشی با موضوع تحقیق حاضر هستند، شناسایی شده که در ادامه به تحلیل و تبیین آن‌ها پرداخته می‌شود.

هشجین و نیکو نهاد (۱۳۹۹) در پژوهشی با رویکرد آینده‌نگارانه، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به مثابه یک سند راهبردی کلان‌مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است. این مطالعه، که با بهره‌گیری از روش آینده‌پژوهی مارتالیزلی سامان یافته، درصدد پاسخ به این پرسش اساسی بوده است که «دلالت‌های آینده‌نگارانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی چیست و چه مؤلفه‌هایی را می‌توان در راستای ترسیم آینده مطلوب انقلاب از آن استخراج نمود؟»

یافته های تحقیق گویای آن است که بیانیه مذکور، واجد عناصر ساختاری و محتوایی یک نقشه راه راهبردی است؛ به گونه ای که در آن، هفت محور اصلی به عنوان ارکان تحولی برای عبور نظام جمهوری اسلامی از وضع موجود به سوی وضعیت آرمانی آینده طراحی شده اند. این بیانیه، آینده ای مطلوب، امیدآفرین و معطوف به گسترش توفیقات انقلاب اسلامی در هر دو ساحت مادی و معنوی را به تصویر می کشد؛ آینده ای که در آن روند پیشرفت و بالندگی جبهه انقلاب شتاب می گیرد و در مقابل، میدان اثرگذاری و ابتکار عمل جبهه دشمنان به تدریج با افول، زوال و بی اثرشدگی مواجه می گردد.

نکته محوری این چشم انداز، اتکای جدی به ظرفیت جوانان به عنوان نیروهای تحول آفرین و حاملان میراث انقلاب اسلامی است. بر این اساس، نقش آفرینی جوانان در فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی نه تنها مطلوب، بلکه ضروری و ناگزیر تلقی می شود. این چشم انداز آینده مدار، نه با تکیه بر آرمان گرایی صرف، بلکه بر اساس تحلیل واقع گرایانه از ظرفیت ها، فرصت ها و تهدیدهای پیش روی انقلاب اسلامی ترسیم گردیده و از این حیث، واجد ارزش راهبردی در سیاست گذاری کلان جمهوری اسلامی ایران است.

نادری و پیرانی (۱۳۹۹) در چارچوب پژوهشی کیفی با رویکرد تحلیل اسنادی و بهره گیری از منطق تحلیلی «سوات (SWOT)» به مثابه ابزاری برای تحلیل سیستمی راهبردها، راهبردهای تحول آفرین جمهوری اسلامی ایران در مرحله پساچهل سالگی انقلاب اسلامی با تمرکز بر بیانیه گام دوم مورد واکاوی قرار گرفته است. این پژوهش بر آن است تا به این پرسش اساسی پاسخ دهد که با تکیه بر ظرفیت های مفهومی و راهبردی بیانیه گام دوم، کدام گزینه های استراتژیک می توانند هدایت گر حرکت جامعه ایرانی در مسیر تحقق اهداف تمدن ساز انقلاب اسلامی باشند؟ بر اساس تحلیل استخراج شده از مؤلفه های محوری بیانیه گام دوم، چهار راهبرد کلان به عنوان سناریوهای سیاست گذاری برای دوره نوین انقلاب اسلامی طراحی و احصاء شده اند:

۱. راهبرد پیشتازی: مبتنی بر تمرکز بر قوت های درونی و بهره برداری حداکثری از فرصت های محیطی، با هدف نقش آفرینی فعال در مناسبات منطقه ای و بین المللی؛



۲. راهبرد صیانتی: معطوف به صیانت از دستاوردهای انقلاب از رهگذر ظرفیت های داخلی در برابر تهدیدهای محیطی و خارجی؛

۳. راهبرد رقابتی: تکیه بر فرصت های برونزا در راستای جبران ضعف های ساختاری درونی و افزایش قدرت رقابت در سطوح ملی و فراملی؛

۴. راهبرد مقاومتی: طراحی سیاست های کنترلی در مواجهه هم زمان با ضعف های داخلی و تهدیدهای خارجی، با محوریت تاب آوری حاکمیتی و اجتماعی.

با توجه به برجستگی محسوس ظرفیت های درونی و فرصت های محیطی در مقایسه با تهدیدها و کاستی ها، یافته های پژوهش حاکی از آن است که راهبرد پیشتازی باید در مرکز ثقل سیاست گذاری های کلان و حکمرانی قرار گیرد. این راهبرد به طور خاص تأکید دارد بر جایگزینی سیاست های درونزای مبتنی بر خوداتکایی، توانمندی های بومی، ظرفیت های فرهنگی و معنوی، و اقتدار منطقه ای به جای رویکردهای برونزای متکی بر وابستگی به قدرت های خارجی.

در این راستا، مفاهیمی چون بازتعریف سبک زندگی بر مبنای آموزه های اسلامی، تقویت سرمایه اجتماعی از طریق جوان گرایی هوشمندانه، و تثبیت الگوهای بومی حکمرانی دینی در عرصه های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، از اجزای راهبردی گفتمان «پیشتازی» محسوب می گردند. از این منظر، تحقق اهداف کلان بیانیه گام دوم، مستلزم بسیج ظرفیت های ملی، نهادسازی هدفمند و ارتقاء هماهنگی میان سطوح حاکمیتی و مردمی است تا بتوان در برابر چالش های فراروی نظام بین الملل، گفتمان انقلاب اسلامی را به مثابه یک نظم بدیل در سپهر جهانی تثبیت نمود.

دولایی (۱۳۹۸) در پژوهشی که با هدف واکاوی نظام مند راهبردهای قابل تدوین انقلاب اسلامی در پرتو بیانیه گام دوم انجام پذیرفته، نگارنده با اتخاذ رویکرد تجویزی برگرفته از مکتب طراحی در برنامه ریزی راهبردی، درصدد شناسایی و تبیین مؤلفه های بنیادین این بیانیه به مثابه سندی راهبردها بوده است. بدین منظور، مؤلف با تحلیل ساختاری محتوای بیانیه، به احصاء آرمان ها، قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدهای فراروی انقلاب اسلامی پرداخته و آن را مبنای استخراج سیاست ها و راهبردهای کلان نظام قرار داده است.

آرمان غایی ترسیم شده در بیانیه، شکل گیری تمدن نوین اسلامی به عنوان نقطه عطف تمدن سازی جهانی و آماده سازی بسترهای ظهور دولت کریمه مهدوی تلقی گردیده است؛ هدفی که تحقق آن مستلزم سازماندهی منظومه ای از سیاست های بنیادین در سطوح حاکمیتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است.

در راستای تحقق این آرمان، بیانیه گام دوم بر شناسایی دقیق نقاط قوت نظام در حوزه هایی چون پایگاه مردمی، گفتمان انقلابی، خوداتکایی علمی و تجربیات جهادی تأکید دارد؛ در حالی که در کنار آن، نقاط ضعف نظیر بروکراسی ناکارآمد، برخی ساختارهای فرسوده اداری، و عدم انسجام نهادی نیز مورد تصریح قرار گرفته اند. همچنین، فرصت های موجود در محیط منطقه ای و بین المللی، در تقابل با تهدیدهای ناشی از فشارهای سیاسی، تحریم های اقتصادی و تهاجم فرهنگی، به عنوان متغیرهای برونزا تحلیل شده اند.

بر این مبنا، راهبردها و سیاست های پیشنهادی بر اساس بیانیه گام دوم، به شرح ذیل دسته بندی شده اند:

- دفاع نظری از نظام انقلابی و تبیین بنیادهای مشروعیت آن در مواجهه با چالش های نوپدید؛
- پایبندی اصولی به مبانی و خطوط قرمز انقلاب و مرزبندی آگاهانه با جریان ها و نیروهای معارض داخلی و خارجی؛
- بازخوانی گذشته به مثابه چراغ راه آینده و تدارک بنیان های معرفتی و تجربی برای گام برداری در مسیر تحولات آتی؛
- ترویج مدیریت جهادی و تقویت گفتمان «ما می توانیم» به عنوان رکن اصلی پویایی نظام تصمیم گیری در شرایط تحریم و فشار؛
- حفظ و ترویج شعارهای اصیل انقلابی و حمایت از جریان های برخاسته از بطن انقلاب با هدف بازتولید سرمایه اجتماعی؛
- نهادینه سازی امید و خوش بینی نسبت به آینده در میان لایه های مختلف جامعه با تکیه بر پیشرفت های واقعی و چشم اندازهای نویدبخش؛



- ارتقاء علمی کشور از طریق جهاد علمی و عبور از مرزهای دانش در حوزه‌های راهبردی؛
- ترویج منش اخلاقی و معنوی در ساحت حاکمیت و بسترسازی برای بازتولید فضائل دینی در جامعه؛
- تحقق اقتصاد مقاومتی در عمل به عنوان راهبرد مقابله با اقتصاد نفتی و وابستگی؛
- مبارزه ساختاری و پایدار با فساد در تمامی سطوح حاکمیتی به منظور تحقق عدالت اجتماعی و رفع فقر سیستماتیک؛
- صیانت از استقلال ملی و آزادی‌های اجتماعی به عنوان دو رکن متعالی اندیشه اسلامی-انقلابی؛
- صیانت از عزت ملی و مرزبندی صریح با دشمن در حوزه دیپلماسی، فرهنگ و رسانه؛
- حضور فعال و فراگیر جوانان در تمامی عرصه‌های جهادی، مدیریتی، علمی و فرهنگی در راستای کارآمدسازی نظام؛
- مقابله هوشمندانه و همه‌جانبه با ترویج سبک زندگی غربی از طریق طراحی و ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی.

در مجموع، این تحقیق با تمرکز بر اسناد بالادستی و تحلیل محتوای محور بیانیه گام دوم، موفق به طراحی مدلی مفهومی برای حکمرانی انقلابی در دهه‌های پیش رو شده و پیشنهادهایی مبتنی بر نهادهایی، بازمهندسی ساختارهای حکمرانی و بازآفرینی گفتمان انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد که می‌تواند بستر ساز جهشی تمدنی در افق ظهور تلقی شود.

زرگری (۱۳۹۷) در پژوهشی که به واکاوی چالش‌های بنیادی پیش روی قوه مقننه در عرصه مقابله با مفساد اقتصادی اختصاص یافته است، نتایج تحلیل‌ها حاکی از آن است که ریشه‌های اساسی فساد اقتصادی در بخش عمومی عمدتاً ناشی از نقش و تصدی‌های گسترده دولت در ساختار اقتصادی کشور می‌باشد. این نقش تصدی‌گری که در قالب سیاست‌هایی نظیر محدودیت‌های تجاری، تخصیص یارانه‌های صنعتی غیرهدفمند، اعمال کنترل‌های پیچیده بر قیمت‌ها، نظام چندنرخ ارز، پایین بودن دستمزدها در بخش‌های خدمات دولتی و تجاری، و

بهره برداری ناکارآمد از ذخایر منابع طبیعی استراتژیک مانند نفت متبلور می گردد، زمینه های مساعدی را برای بروز و گسترش فساد فراهم ساخته است.

فساد اقتصادی به عنوان عاملی بازدارنده، موجب کاهش میزان سرمایه گذاری در بخش های مولد اقتصاد شده و به تبع آن، رشد اقتصادی را با کندی جدی مواجه می سازد؛ روندی که نهایتاً تحقق اهداف توسعه اقتصادی کشور را با مخاطره جدی مواجه می کند. در اثر این فرایند، درآمدهای مالیاتی دولت کاهش چشمگیری یافته و کیفیت زیرساخت های اقتصادی و خدمات عمومی به صورت محسوس تنزل می یابد که پیامدهای آن بر رفاه اجتماعی و عدالت توزیعی بسیار مخرب است.

بر مبنای یافته های این تحقیق، اصلاحات ساختاری و بازنگاری در قوانین و مقررات مرتبط، می تواند ضمن ایجاد تعادل مطلوب میان منافع و هزینه های ناشی از فساد مالی، موجبات تعدیل و کاهش این آسیب ها را فراهم آورد. این امر مستلزم طراحی چارچوب های نظارتی کارآمد، تقویت شفافیت و پاسخگویی در دستگاه های حکومتی و افزایش کارایی نهادی است.

شایان ذکر است که این مطالعه تمرکز خود را بر ارزیابی و بهبود نقش قوه مقننه در مقابله با مفاسد اقتصادی قرار داده است، حال آنکه تحقیق حاضر به طور خاص به بررسی راهکارهای مبارزه با فساد اقتصادی در سطح کلان دستگاه های حاکمیتی پرداخته است تا ضمن تبیین ساختاری مشکلات، راهبردهای عملیاتی مؤثری جهت ارتقاء سلامت مالی و اداری نظام حکمرانی ارائه نماید.

تحقیقات خارجی

دی موریس^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی تحلیلی که به واکاوی گستره و ابعاد فساد اقتصادی در بازار اختصاص یافته است، نویسنده با استناد به منابع معتبر، به بررسی روندها و حجم معاملات حوزه تحقیقات بازار پرداخته است. بر اساس دیدگاه ارائه شده، انجمن تحقیقات بازار اروپا (ESOMAR) به عنوان مرجعی برجسته در حوزه مطالعات بازار، هر ساله در ماه های پایانی سال

۱. Di Morris



میلادی، اقدام به تدوین و انتشار گزارشی جامع و چند صد صفحه‌ای می‌نماید که حجم و ساختار معاملات و فعالیت‌های تحقیقات بازار در سال پیشین را به تفصیل مورد واکاوی قرار می‌دهد.

این گزارش سالانه که از حیث اطلاعات آماری و تحلیلی از اهمیت بالایی برخوردار است، بستر مناسبی را برای پژوهشگران، فعالان و تصمیم‌گیرندگان عرصه بازار فراهم می‌آورد تا با بهره‌گیری از داده‌های به‌روز و دقیق، چشم‌اندازی روشن از روندهای جاری و آینده بازارهای تحقیقاتی در سطح جهانی ترسیم کنند.

در همین راستا، فصلنامه توسعه مهندسی بازار، که در شماره‌های پیشین خود مطالبی گزیده و تحلیلی از مجله تحقیقات جهان ارائه کرده بود، در تلاش است تا با انتشار گزارشی مفصل پیرامون تحولات و داده‌های تحقیقات بازار در سال ۲۰۰۷، اطلاعات ارزشمندی را در اختیار علاقه‌مندان و به‌ویژه پژوهشگران حوزه تحقیقات بازار قرار دهد. این اقدام با هدف فراهم آوردن راهنمایی علمی و کاربردی جهت ارتقاء کیفیت مطالعات بازار و تسهیل فرآیندهای پژوهشی در این حوزه صورت گرفته است، که می‌تواند به عنوان مرجعی معتبر در جهت توسعه دانش و توانمندسازی فعالان بازار تلقی شود.

لووسمن^۱ (۲۰۱۵) پژوهش حاضر به تحلیل تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی با رویکرد مکتب نهادگرا و با استفاده از چارچوب روش‌شناسی لاکاتوشی می‌پردازد. مفهوم بنیادین این مطالعه بر این اصل استوار است که آزادی اقتصادی، یعنی آزادی افراد در انجام مبادلات و انتقال دارایی‌هایی که به صورت قانونی کسب شده‌اند، در جوامعی که از نهادهای نسبتاً کارآمدی مانند تضمین امنیت حقوق مالکیت و کاهش هزینه‌های معاملاتی برخوردارند، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رشد اقتصادی دارد. این نهادها با کاهش موانع مبادله، زمینه‌ساز افزایش رقابت و ارتقاء کارایی اقتصادی می‌شوند.

در این تحقیق، برای بررسی عمیق‌تر ساختار اثرگذاری آزادی اقتصادی بر رشد، از مدلی تلفیقی بهره‌گرفته شده است که ترکیبی از مدل پویای وینهلد (Winheld, 1993) و مدل

۱. Lowesman

کارلسون و لاندستروم (Carlsson & Lundström, 2010) است. نمونه آماری شامل پنجاه و هفت کشور در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ می‌باشد. برای سنجش نقش نهاده‌های هر کشور در تقویت یا تضعیف این رابطه، کشورهای مورد مطالعه به سه دسته طبقه‌بندی شده‌اند: کشورهای با کیفیت نهادی بالا، کیفیت نهادی متوسط و کیفیت نهادی پایین.

یافته‌های تحقیق مؤید آن است که آزادی اقتصادی رابطه مثبت و معناداری با رشد اقتصادی دارد، که این رابطه با توجه به سطح کارایی نهاده‌های هر جامعه، تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد. به ویژه، دوزیر شاخص کلیدی از شاخص کلی آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر، یعنی «امنیت حقوق مالکیت و ساختار قضایی» و «قوانین کار، مقررات تجاری و بازار اعتباری»، نقش برجسته و معناداری در ارتقاء رشد اقتصادی ایفا می‌کنند. این شاخص‌ها به عنوان مؤلفه‌های حیاتی آزادی اقتصادی در این پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

از سوی دیگر، در مطالعه‌ای دیگر، پیلی (۲۰۱۰) به بررسی علل ریشه‌ای فساد در جمهوری آفریقای جنوبی پرداخته است. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که فساد در این کشور ریشه در سنت‌های بوروکراتیک، فرآیندهای توسعه سیاسی و تاریخچه اجتماعی دارد. به طور خاص، فساد مالی به واسطه ضعف‌های سازمانی گسترش یافته است. عوامل کلیدی مؤثر در شکل‌گیری فساد در بخش دولتی این کشور شامل مواردی چون کنترل‌های ناکافی اجتماعی، قوانین متروک و ناکارآمد، فشارهای تقاضایی فزاینده، حضور سیاست‌مداران با رویکردهای کارآفرینانه، دیوان‌سالاری مزمن، احتیاط مفرط در تصمیم‌گیری‌ها و ضعف‌های ساختاری در ترتیبات اداری و نظارتی بوده‌اند. این مؤلفه‌ها به گونه‌ای ساختاری و سیستماتیک بستر رشد فساد را فراهم کرده‌اند. جانسون متچاک^۱ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «مبارزه با فساد در تدارکات دولتی» به تبیین جایگاه و اهمیت فرآیند مناقصه به عنوان یکی از ارکان اساسی خریدهای دولتی پرداخته شده است. نویسندگان بر این باور است که تحقق همزمان شفافیت، کارایی، صرفه اقتصادی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در نظام خریدهای دولتی، الزامی است و فقدان هر یک از این

۱. Janson P. Matechak



مؤلفه‌ها می‌تواند بستر مناسبی برای فساد فراهم آورد. ایشان با تأکید بر اینکه خریدهای دولتی یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تلاقی مالی میان بخش دولتی و بخش خصوصی است، این حوزه را به‌عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین عرصه‌ها در برابر فعالیت‌های فسادآمیز و رشوه‌خواری معرفی می‌نماید. در این پژوهش، فرآیند خریدهای دولتی به سه مرحله کلیدی تقسیم شده است که میزان و نوع فساد در هر مرحله به شکل متفاوتی نمود پیدا می‌کند:

۱. مرحله برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی: در این مرحله، نوع و حجم کالا یا خدمات مورد نیاز تعیین می‌شود که به عنوان نقطه آغازین فرآیند، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. نویسنده اشاره می‌کند که در این مرحله امکان نفوذ فساد به صورت انتخاب کالاهای غیرضروری یا برآورد بیش از حد نیاز واقعی وجود دارد، که معمولاً از طریق دریافت رشوه یا تبانی میان مجریان و ذینفعان صورت می‌پذیرد.

۲. مرحله درخواست تدارکات: این بخش شامل تدوین اسناد مناقصه، تعیین معیارهای ارزیابی و فرایند ارزیابی پیشنهادهاست. در این مرحله، احتمال دستکاری معیارهای ارزیابی به نفع افراد یا گروه‌های خاص و محدودسازی رقابت با ایجاد شرایط انحصاری یا اعمال ترک تشریفات مناقصه، به عنوان راهکارهای فسادآمیز قابل مشاهده است.

۳. مرحله انتخاب برنده و اجرای قرارداد: این مرحله که نهایی‌ترین و اجرایی‌ترین بخش فرآیند است، با خطراتی نظیر تغییر مفاد قرارداد به نفع ذی‌نفعان خاص، افزایش غیرقانونی هزینه‌ها، تحویل کالاهای با کیفیت پایین تر یا مغایر با قرارداد و نیز فقدان نظارت دقیق بر اجرای تعهدات همراه است که زمینه‌های مناسبی برای فساد مالی و سوء استفاده فراهم می‌آورد.

در خاتمه، نویسنده تأکید می‌کند که مقابله اثربخش با فساد مستلزم اتخاذ تدابیر متناسب و اختصاصی در هر یک از مراحل مذکور است؛ اما اصول بنیادینی نیز وجود دارند که باید به طور جامع و فراگیر رعایت شوند. این اصول شامل تدوین و اجرای استانداردهای اخلاقی بالا برای مجریان فرآیندهای تدارکاتی، الزام به افشای شفاف دارایی‌های مقامات مسئول، تضمین دسترسی آزاد به اطلاعات و داده‌های مرتبط، تقویت نهادهای نظارتی با استقلال و اقتدار کافی، و نهایتاً

ارتقای نقش نهادهای مدنی مستقل به عنوان ناظران بیرونی و غیرحکومتی در فرایند نظارت و پاسخگویی است. چنین رویکردی می‌تواند به عنوان سد محکمی در برابر نفوذ فساد در فرآیندهای تدارکات دولتی عمل نماید و ضامن تحقق اهداف عدالت و کارآمدی در نظام عمومی باشد.

تانزی و داوودی^۱ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای پژوهشی تحت عنوان «فساد، سرمایه‌گذاری دولتی و رشد»، به بررسی هم‌پیوندی پیچیده میان فساد، به‌ویژه فساد سیاسی، و پروژه‌های سرمایه‌گذاری عمومی پرداخته شده است. نویسندگان این تحقیق بر این نکته تأکید دارند که فساد سیاسی غالباً به طور وثیقی با پروژه‌های سرمایه‌گذاری دولتی ارتباط دارد؛ به گونه‌ای که افزایش حجم پروژه‌ها، پیچیدگی‌های طراحی و تعدد مراحل اجرایی آن‌ها، زمینه را برای بروز و تسری فساد تسهیل می‌کند. در این بستر، روند افزایشی پروژه‌ها و بزرگ‌تر شدن مقیاس آن‌ها، مستلزم مدیریت دقیق‌تر و شفافیت بیشتر است که در غیاب آن، امکان دستکاری، سوء استفاده از منابع و رشوه‌خواری به شدت افزایش می‌یابد.

این مطالعه با بهره‌گیری از داده‌های کلان‌کشورها و تحلیل‌های آماری، رابطه علت و معلولی میان شاخص‌های اقتصادی و میزان فساد مالی را مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سطوح بالای فساد مالی با برخی متغیرهای کلیدی اقتصاد کلان همبستگی معناداری دارد؛ از جمله افزایش حجم سرمایه‌گذاری عمومی، کاهش درآمدهای دولت از محل مالیات و سایر منابع، و کاهش کیفیت زیرساخت‌های عمومی. این همبستگی‌ها نه تنها نشان‌دهنده وجود ناکارآمدی‌های ساختاری در تخصیص منابع و مدیریت پروژه‌هاست، بلکه بر کاهش نرخ رشد اقتصادی در بلندمدت نیز دلالت دارد.

به عبارت دقیق‌تر، فساد مالی به واسطه ایجاد هزینه‌های پنهان و آشکار، تحمیل رانت‌ها، کاهش کارایی تخصیص سرمایه و ناکارآمدی در ارائه خدمات عمومی، موجب می‌شود که سرمایه‌گذاری‌های دولتی به جای افزایش ظرفیت‌های تولیدی و ارتقاء زیرساخت‌ها، به معضل تبدیل شود؛ امری که نهایتاً نرخ رشد اقتصادی را تضعیف می‌نماید. این نتایج بر اهمیت اتخاذ

۱. Vito Tanzi & Hamid Davoodi



سیاست‌های کنترلی قوی‌تر، افزایش شفافیت و تقویت نهادهای نظارتی به منظور کاهش فساد و ارتقاء کیفیت سرمایه‌گذاری‌های عمومی تأکید می‌ورزند، تا ضمن کاهش ریسک فساد، مسیر رشد اقتصادی پایدار هموار گردد.

اهمیت مبارزه با مفاسد اقتصادی از دیدگاه امام خمینی^(ره)

از منظر حضرت امام خمینی^(ره)، دین مبین اسلام جایگاهی ویژه برای معنویات قائل است و توجه به امور مادی را صرفاً تا آن حد مشروع می‌داند که مانع از رشد و کمال انسان و رسیدن او به سعادت نگردد؛ این نگرش به طور ضمنی بازدارنده از کسب و درآمدهای نامشروع و حرام است. تأکید اسلام بر فریضه‌هایی چون خمس، زکات و صدقات در راه خدا، خود مؤید این حقیقت است که حتی ثروت‌های حاصل از راه‌های مشروع نیز نباید در انحصار افراد باقی بماند، بلکه به دست انسان‌های متعهد و مصلح افتاده و در مسیر خیر عمومی و گسترش عدالت اجتماعی به کار گرفته شود.

امام خمینی^(ره) ضمن دفاع قاطع از عدالت اجتماعی و حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران، عدالت را به مثابه یکی از ارکان بنیادین مکتب اسلامی معرفی کرده‌اند؛ عدالت اجتماعی که به طور خاص باید در سطوح مختلف اقتصادی از جمله در واگذاری و تقسیم عادلانه اراضی دولتی و انفال نهادینه گردد، زیرا این عدالت نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش شکاف‌های طبقاتی و برقراری نسبی توازن اقتصادی در جامعه ایفا می‌کند. ایشان فساد را به‌ویژه در ابعاد گسترده و مزمن خود ناشی از فساد در نهادهای حکومتی دانسته و بر ضرورت تزکیه و پالایش حاکمان و تقویت عدالت‌محوری در دستگاه حاکمیتی تأکید می‌ورزند.

از دیدگاه امام خمینی^(ره)، یکی از عوامل اصلی رشد و گسترش فساد در جامعه، محدودیت قشر فرهنگی و به‌ویژه روحانیت در تعامل مستقیم و فعال با مردم است؛ ایشان فساد را حاصل فقدان عقلانیت، تهذیب نفس و انسانیت واقعی می‌دانستند که به تولید افرادی فاقد فضایل اخلاقی و مستعد تسلیم به نفوذ بیگانگان می‌انجامد. بنابراین، راه مقابله با مفاسد اجتماعی، جز از طریق عزم جدی نظام اسلامی، مردم، نخبگان و فرهیختگان در عمل به وظایف خویش، میسر نیست.

امام خمینی^(ره) فساد را فرآیندی تدریجی می‌دانستند که به آرامی انسان را در خود غرق می‌کند و معتقد بودند که مبارزه با فساد باید در چارچوب موازین شرعی، قوانین موضوعه و با رعایت نظم و قانون صورت گیرد تا به هرج و مرج و بی‌نظمی اجتماعی منجر نگردد؛ تنها در سایه هدایت الهی و توکل بر خداوند می‌توان در این مسیر موفق بود. ایشان بر ضرورت اجتناب از به‌کارگیری روش‌های خلاف شرع تأکید داشتند و همچنین از واگذاری امر مبارزه با فساد به جوانان هرچند دارای نیت خیر منع می‌کردند، چرا که احتمال نفوذ عناصر فاسد، فراهم آمدن زمینه آشوب، بی‌قانونی و ایجاد شک و تردید در اصل مبارزه را به دنبال دارد. به باور ایشان این مبارزه تنها از طریق تقسیم وظایف میان بخش‌های مختلف نظام و مقابله هر بخش با یکی از مظاهر فساد قابل تحقق است.

بر اساس اندیشه‌های امام خمینی^(ره)، نخستین گام اساسی در مبارزه با فساد، ریشه‌کنی کلیه عوامل و انگیزه‌های آن در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سایر حوزه‌ها با قاطعیت و جدیت است. در این مسیر باید با اتکا به آموزه‌ها و احکام اسلامی و اجرای دقیق مقررات، ضمن قطع دست عناصر فاسد، انگیزه‌های فسادزا را نیز به کلی نابود کرد. همچنین، عموم مردم موظفند هرگونه انحراف از مسیر اسلامی را در هر سطح و در هر جایگاهی که مشاهده کنند، فوراً منع و مقابله نمایند تا از گسترش فساد جلوگیری شود و امکان جولان برای عناصر فاسد مسدود گردد. بدین ترتیب، عرصه بر فساد تنگ شده و زمینه رشد و توسعه‌ای سالم و عدالت‌محور فراهم خواهد آمد.

(صحیفه امام؛ ج ۱۸)

اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی^(ره)

از منظر حضرت امام خمینی^(ره)، اقتصاد ذاتاً هدفی مستقل و مقدس در اسلام نیست، بلکه وسیله‌ای است کارآمد برای تعالی و تکامل معنوی جامعه انسانی؛ اقتصادی که باید در خدمت تحقق آرمان‌های والای اخلاقی و معنوی قرار گیرد. بر این اساس، تدوین و پیاده‌سازی نظام اقتصادی اسلام، مسئولیتی خطیر است که بر دوش علما، محققان و کارشناسان مسلمان و متعهد نهاده شده است؛ کسانی که بایسته است نظام اقتصادی اسلام را به صورتی متناسب با مقتضیات



روز، شرایط اجتماعی-اقتصادی زمان و بر مبنای منابع اصیل اسلامی استخراج، تبیین و تدوین کنند و سپس برنامه های عملی و راهبردهایی جهت تحقق آن ارائه نمایند. مکتب اسلام از ابتدای ظهور، معترض نظام های حاکم ظالمانه و نابرابر بوده و نظامی جامع، متشکل از قوانین خاص در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عرضه کرده است که جز آن، سعادت واقعی جامعه انسانی را تضمین نمی کند. (آزینی، ۱۳۹۶: ۱۶۷-۱۶۸)

از نگاه امام^(ره)، مجموعه جامع قواعد اقتصادی اسلام، هنگامی که به عنوان یک نظام یکپارچه و فراگیر در کل پیکره مکتب اسلامی لحاظ و به اجرا درآید، بهترین و کامل ترین شکل ممکن را به خود می گیرد؛ نظامی که نه تنها معضل فقر را از ریشه می خشکاند، بلکه با ممانعت از تصاحب نامشروع ثروت توسط عده ای معدود، از بروز فساد جلوگیری می کند و به واسطه حفظ عدالت، جامعه را از تباهی دور نگه می دارد، ضمن آنکه اجازه نمی دهد استعدادها و خلاقیت های انسانی به دلیل محدودیت های غیرمنصفانه مهار شوند. (آزینی، ۱۳۹۶: ۱۷۶-۱۷۷)

علاوه بر این، باید نظام اقتصادی اسلام را به صورت کلی و فراگیر، در چهارچوب تمام قوانین و مقررات اسلامی بررسی کرد که تمامی ابعاد فردی و اجتماعی را در بر می گیرد؛ چراکه حل مسائل و دشواری های زندگی انسانی از طریق تنظیم صرف روابط اقتصادی به شیوه ای محدود امکان پذیر نیست و تنها در قالب یک نظام جامع اسلامی قابل تحقق است. از نظر امام، معنویت نقش کلیدی و راهگشایی در علاج ریشه ای مشکلات دارد و نباید از آن غفلت ورزید. (آزینی، ۱۳۹۶: ۲۱۳)

بر این اساس، وظیفه مهم و سنگین تدوین و ارائه طرح ها و برنامه های اقتصادی جایگزین سیستم ناصحیح و ناکارآمد حاکم بر جهان اسلام بر عهده علمای دینی، محققان و کارشناسان مسلمان قرار دارد؛ کسانی که باید راهکاری جامع و سازنده در جهت تأمین منافع محرومان و طبقات فرودست ارائه دهند تا مستضعفین و مسلمین از تنگناهای فقر و محرومیت اقتصادی رهایی یابند.

امام خمینی^(ره) بر این نکته نیز تأکید دارند که تحقق اهداف و مقاصد نظام اقتصادی اسلام، به ویژه مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه داری غرب و اقتصاد متمرکز شرق، بدون استقرار حاکمیت

همه‌جانبه اسلام امکان‌پذیر نیست و حتی پس از تحقق حکومت اسلامی، ریشه‌کن‌سازی آثار مخرب این نظام‌ها زمان‌بر خواهد بود. اما همین که اصول و جهت‌گیری‌های اقتصادی اسلام در راستای حفظ حقوق محرومان، گسترش مشارکت عمومی و مقابله با زراندوزان تبیین و مطرح گردد، خود بزرگ‌ترین بشارت آزادی انسان‌ها از قید فقر و محرومیت است. همچنین نشان‌دهنده آن است که در حکومت اسلامی، صاحبان ثروت هیچ امتیاز و برتری خاصی نسبت به طبقات ضعیف جامعه نخواهند داشت و هیچ اولویتی نصیب آنان نمی‌شود. این باور تضمین‌کننده شکوفایی استعدادهای سرکوب‌شده و فراهم‌کننده زمینه رشد و خلاقیت برای قشر محروم جامعه خواهد بود.

علاوه بر این، امام^(ره) بر این باور بودند که ثروتمندان نباید به سبب امکانات مالی خود در ساختار حکومتی و مدیریت کشور نفوذ داشته باشند، و نباید مال و دارایی خود را وسیله‌ای برای فخرفروشی یا تحمیل خواسته‌ها و اندیشه‌های خود بر مستضعفان قرار دهند. این رویکرد، اساس تعاون و مشارکت مردم در اداره امور را تقویت می‌کند و موجب گرایش به اخلاق نیکو و ارزش‌های متعالی می‌شود و از ارتکاب تملق‌گویی و ریاکاری جلوگیری می‌کند. همچنین چنین نگرشی، بعضی از ثروتمندان را متوجه می‌سازد که توان مالی آنان هرگز دلیلی بر اعتبار و احترام نزد خداوند نیست. (آژینی، ۱۳۹۶: ۱۲۸-۱۲۹)

دیدگاه امام خمینی^(ره) به اصلاح و مبارزه با مفاسد اقتصادی

از منظر حضرت امام خمینی^(ره)، نخستین و بنیادی‌ترین گام در مبارزه با فساد، ریشه‌کن‌سازی تمامی عوامل و به‌ویژه انگیزه‌های مولد فساد در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سایر زمینه‌ها با نهایت جدیت و قاطعیت است (خمینی، ۱۳۹۲: ۳۶۴). ایشان تأکید می‌کنند که این امر تنها از مسیر اتکا به آموزه‌ها و دستورات جامع اسلام و به‌کارگیری دقیق و همه‌جانبه قوانین و مقررات شرعی در تمامی حوزه‌ها امکان‌پذیر است؛ به گونه‌ای که از یک سو دست افراد و عناصر فاسد قطع شود و از سوی دیگر، انگیزه‌ها و زمینه‌های بالقوه فساد به کلی نابود گردد. امام خمینی^(ره) همچنین وظیفه همگانی مردم را در این مسیر ضروری می‌داند و معتقد است که همه اقشار جامعه، فارغ از



موقعیت و جایگاه اجتماعی، ملزم اند تا بلافاصله و بدون اغماض با هرگونه انحراف از مسیر اسلام، از پایین ترین سطوح تا عالی ترین مقامات، مقابله کنند؛ رویکردی که نه تنها از گسترش فساد جلوگیری خواهد کرد بلکه عرصه را بر فرصت طلبان و فاسدان خواهد بست و امکان رشد و تداوم فساد را کاملاً محدود می‌سازد (خمینی، ۱۳۹۲: ۳۶۵)

مبارزه با فساد اقتصادی از منظر رهبری

از منظر مقام معظم رهبری، اولویت نخست و محوری در مبارزه با فساد اقتصادی، مقابله با فساد در درون ساختارهای حاکمیتی و دستگاه‌های حکومتی است؛ زیرا تا زمانی که افراد یا گروه‌هایی در داخل نهادهای دولتی و حکومتی با مفسدان اقتصادی همدستی یا تباری نکنند، امکان موفقیت فساد به حداقل می‌رسد. ایشان در دیدار با اعضای ستاد مبارزه با مفساد اقتصادی تصریح کردند که هدف اصلی مبارزه، مقابله با فساد اقتصادی در دستگاه‌های حکومتی و افرادی است که با سوءاستفاده مستقیم یا غیرمستقیم از جایگاه و قدرت خویش و منابع دولتی، منافع شخصی یا گروهی را به اقتصاد کشور تحمیل می‌کنند و ضربه می‌زنند.

رهبر معظم انقلاب در دیدار با فعالان و منتخبین بخش‌های اقتصادی خاطر نشان ساختند که متأسفانه مفسد اقتصادی اغلب در مرکز دولت مستقر می‌شود؛ زیرا فرد مفسد به دنبال فرد یا گروهی است که در داخل ساختار دولتی به او کمک و پاس بدهد تا فسادش را گسترش دهد. لذا مسئولان دولت باید نسبت به بروز و نفوذ فساد اقتصادی در دستگاه‌های دولتی به شدت حساس باشند و اگر در جایی شائبه فساد دیدند، هیچ ملاحظه‌ای نکنند، زیرا فساد اقتصادی به شدت واگیر دارد و بیماری‌ای بسیار شدید و مسری است که باید حتماً به آن توجه شود.

ایشان در دیدار با مسئولان و نخبگان استان همدان اظهار داشتند که در چند سال اخیر بر مبارزه با فساد اقتصادی در دستگاه‌های حکومتی تأکید ویژه داشته‌اند و هشدار دادند که اگر فساد مالی در این دستگاه‌ها با شدت برخورد نشود، سایر اقدامات و برنامه‌ها بی‌اثر خواهد بود. فساد همانند زخمی واگیردار است و باید با آن مقابله جدی شود. همچنین ایشان گلایه کردند که برخی دستگاه‌ها به جای همراهی و پذیرفتن مسئولیت، با توجیه‌های سیاسی و سیاست‌بازی، مقابله با فساد

را تضعیف کرده‌اند؛ در حالی که مردم نمی‌توانند به تنهایی با فساد مبارزه کنند و این وظیفه اصلی دستگاه‌های حکومتی است، نه صرفاً دستگاه قضایی که نقش آن در مراحل پایانی است.

رهبر انقلاب در دیدار با اқشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلى تهران نیز تأکید کردند که مسئولان قوای مختلف کشور خود موظف به مبارزه با فساد در دستگاه‌های دولتی و حکومتی هستند و در درجه نخست وزرا و مدیران ارشد باید اجازه ندهند فساد در مجموعه تحت مدیریت‌شان رخنه کند و همچنین باید پاک‌دستی و سلامت خود را حفظ کنند.

در دیدار با اعضای هیئت دولت، ایشان بر این نکته تأکید کردند که منصب حکومتی جایگاه قدرت و منابع مالی است و وسوسه‌ها در این جایگاه فراوان است؛ بنابراین مدیران باید با چشمی بیدار و نظارتی دقیق، سلامت اقتصادی زیرمجموعه خود را مراقبت کنند، حتی پیش از ورود نهادهای نظارتی. این امر نیازمند مراقبت مستمر و غفلت‌ناپذیری است.

به طور کلی، شاخصه‌های کلیدی مقابله با فساد اقتصادی از منظر مقام معظم رهبری را می‌توان در سه محور اصلی خلاصه نمود: مبارزه با فقر، مبارزه با فساد و مبارزه با تبعیض. همچنین محورهای فرعی مهمی چون گسترش عدالت اجتماعی، شفافیت در محیط جامعه، ارتقای سلامت اداری و اقتصادی، و مسدود کردن راه‌ها و گلوگاه‌های بروز فساد نیز مورد تأکید ایشان است.

اهمیت مبارزه با مفاسد اقتصادی از دیدگاه مقام معظم رهبری

امروزه، در گستره جوامع بشری، نشانه‌های فراوان و عیان فساد، انحراف، جرم و جنایت به صورت ساختاری و مستمر قابل مشاهده است. واقعیت تاریخی و اجتماعی نشان می‌دهد که پدیده‌هایی چون قتل، جنایت، فساد مالی و اقتصادی، اعتیاد و دیگر آسیب‌های اجتماعی، از دیرباز در اعصار مختلف وجود داشته‌اند، اما در دوران معاصر به دلایلی متعدد از جمله گسترش فقر، افول ارزش‌ها و فضایل انسانی، سستی و تزلزل بنیان‌های اخلاقی و فرهنگی، شدت و فراگیری بیشتری یافته‌اند. مطالعات و پژوهش‌های علمی بر این نکته صحه می‌گذارند که فساد و جرائم اقتصادی ابتدا به امنیت اقتصادی جوامع آسیب می‌رسانند و سپس، در مرحله بعد، حوزه امنیت ملی را در معرض تهدید قرار می‌دهند؛ به گونه‌ای که این مفاسد، از طریق تعمیق تبعیض و بروز



بی‌عدالتی‌های فراگیر، مشروعیت نظام‌های حکومتی را که یکی از ارکان کلیدی و بنیادی امنیت ملی است، به مخاطره می‌اندازند و از بین می‌برند (زمانی، ۱۳۸۸: ۴)

در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رهبر فرزانه انقلاب با صدور بیانیه «گام دوم انقلاب» به تشریح دستاوردهای چشمگیر چهار دهه گذشته و ترسیم چشم‌اندازی نوین برای آینده کشور پرداختند. این بیانیه، به منزله منشوری راهبردی برای مرحله دوم فرآیند خودسازی فردی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی اسلامی تلقی شده و افقی نو در مسیر جمهوری اسلامی ایران می‌گشاید. ایشان در این راهبردهای کلان، به موضوع عدالت و مبارزه جدی و قاطعانه با فساد به ویژه فساد اقتصادی، اهمیت ویژه‌ای قائل شده‌اند و آن را از اولویت‌های اساسی تحقق تمدن نوین اسلامی برشمرده‌اند.

تحركات اخير دستگاه قضايي در مقابله با مفسدان اقتصادي و بازتاب‌هاي رسانه‌اي آن حکايت از گستردگي و عمق معضل فساد اقتصادي در دهه اخير دارد. ظهور و گسترش فساد اقتصادي در جامعه نه تنها موجب تعميق شکاف‌هاي طبقاتي و هدررفت منابع ملي مي‌شود — منابعي که مي‌بايست صرف توليد، خودکفايي و شکوفائي کشور گردد — بلکه به اعتماد عمومي لطمه جدي وارد کرده و تلقی ناکارآمدی نظام را در اذهان عمومي تقويت مي‌کند و در نتيجه جايگاه و تأثيرگذاري جمهوری اسلامی ایران را در عرصه‌هاي منطقه‌اي و بين‌المللي تضعيف مي‌سازد.

با عنایت به اهمیت فوق‌العاده موضوع مبارزه با فساد اقتصادی و مالی و آثار زیانبار آن، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از ارکان کلیدی و متولیان مقابله با مفسدات اقتصادی، موظف است تا با اتخاذ رویکردی جامع و همه‌جانبه، به ابعاد مختلف این معضل توجه کرده و راهبردهای خود را منطبق بر اسناد بالادستی و به ویژه تدابیر و رهنمودهای فرمانده معظم کل قوا تنظیم نماید. بر این اساس، می‌توان فرمایشات و توصیه‌های ایشان را به عنوان مهم‌ترین منبع راهنمایی و محور اصلی در تدوین سیاست‌ها و اجرای برنامه‌های مقابله با فساد اقتصادی مورد استفاده قرار داد.

بنابراین، ضروری است بیانات و رهنمودهای مقام معظم رهبری به صورت دقیق و موشکافانه تحلیل شود و تمامی تدابیر و راهبردهایی که قابلیت بُعد راهبردی دارند استخراج و در قالب سیاست‌ها و خطوط کلان تنظیم گردد تا بتوان آن‌ها را به عنوان اصول بنیادین در مقابله با مفاسد مالی و اقتصادی به کار بست. بر اساس بیانات معظم له در مناسبت‌های متعدد و به ویژه بیانیه گام دوم انقلاب، مبارزه با فساد اقتصادی در اندیشه ایشان دارای مؤلفه‌های اساسی و متعددی است که شامل اهمیت و ضرورت مبارزه، شناخت زمینه‌ها و بسترهای ظهور فساد، الزام‌ها و راهکارها، اهداف، آثار و نتایج مبارزه می‌باشد و هر کدام از این مؤلفه‌ها دارای شاخص‌ها و مصادیق متعدد است. اولویت اصلی مبارزه، مقابله با فساد اقتصادی در درون ساختارهای حاکمیتی است که در این زمینه نظارت مردمی، برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی کلان و بهره‌گیری از نیروهای متعهد و متخصص از اهمیت بسزایی برخوردار است (شایگان و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱۴-۱۸۵)

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، توصیه‌ها و راهبردهای بنیادینی در حوزه عدالت و مقابله با فساد ارائه کرده‌اند و تأکید فرموده‌اند که عدالت و مبارزه با فساد دو امر لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی، مانند چرک جمع شده در پیکره کشورهای مختلف و نظام‌های حکومتی است که اگر در بدنه حکومت‌ها رخنه کند، همچون زلزله‌ای مخرب، مشروعیت آن‌ها را تضعیف و ویران می‌سازد. این موضوع برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مقبولیت‌های معمول و مبتنی بر مبانی الهی و اجتماعی است، اهمیت و ضرورتی به مراتب بیشتر و بنیادین‌تر دارد.

ایشان خاطر نشان کردند که وسوسه مال، مقام و ریاست، حتی در صادق‌ترین حکومت‌ها، مانند حکومت حضرت امیرالمؤمنین (ع)، نیز موجب مخاطراتی بوده است و لذا احتمال ظهور این تهدیدات در جمهوری اسلامی که روزی مدیران آن مسابقه زهد و ساده‌زیستی داشتند، هرگز منتفی نیست. بر این اساس، ضرورت دارد دستگاهی کارآمد با نگاه تیزبین و رفتاری قاطع، به طور مستمر و مداوم در قوای سه‌گانه حضور داشته و به صورت واقعی و عینی با فساد مبارزه نماید، به ویژه فساد در درون دستگاه‌های حکومتی. در این میان، همه باید بدانند که طهارت اقتصادی،



شرط اساسی و بنیادین مشروعیت همه مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی است (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷)

اهمیت مبارزه با فساد اقتصادی از منظر رهبر انقلاب به صورت سر فصل های ذیل در کلام ایشان آمده است:

(الف) عدالت به عنوان یکی از پیش شرط ها و بنیان های تحقق دولت اسلامی، نقشی محوری و تعیین کننده در تثبیت حاکمیت مشروع دارد و از شاخص های بنیادین نظام اسلامی محسوب می شود که بدون آن، تحقق اهداف عالی نظام ناممکن است.

(ب) تحقق عدالت عینی، مستقیماً از نیازها و مطالبات ذاتی و حقیقی مردم نشأت می گیرد و پاسخگویی به این مطالبات، خود به عنوان مؤلفه ای بنیادین در پایداری اجتماعی و تقویت انسجام ملی مطرح است.

(ج) عدالت، فراتر از یک تکلیف اخلاقی صرف، یک جهاد عملی و انقلابی به شمار می رود که در ساحت مدیریت کلان اقتصادی کشور، به عنوان یکی از ارکان اصلی و راهبردی قلمداد می شود و تلاش پیگیر در این مسیر، لازمه ثبات و توسعه پایدار است.

(د) تأکید بر عدالت و مبارزه با فساد، از جمله خطوط مشی و سیاست های ابتدایی و اولیة حکومت امیرالمؤمنین^(ع) بوده و الگویی بی بدیل در تاریخ حکومت داری اسلامی ارائه می دهد که می بایست در عصر حاضر نیز به عنوان مرجع اخلاقی و سیاسی مورد بازخوانی قرار گیرد.

(ه) عدالت محوری و مبارزه با فساد از اصول اساسی انقلاب اسلامی به شمار می آیند و در عین حال، از شاخص های برجسته اصول گرایی در نظام سیاسی کنونی است که هرگونه انحراف از آن، زمینه ساز سستی ساختارهای حکومتی می گردد.

(و) در سیاست های کلان اقتصاد مقاومتی، عدالت و مقابله با فساد اقتصادی جایگاهی محوری دارد؛ به طوری که ممانعت از فعالیت ها و بسترهای فسادزا در حوزه های پولی، تجاری و ارزی، یکی از محورهای بنیادین سیاست های کلان کشور بوده و در کنار آن، نظارت دقیق مجلس و دستگاه های نظارتی، جزو الزامات اجتناب ناپذیر اداره صحیح اقتصاد کشور است. (جلوداریان، ۱۳۹۸: ۲)

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌اله خامنه‌ای، در بیانات متعدد خود، مبارزه بی‌امان با مفساد اقتصادی را یکی از مسائل کلیدی و حیاتی کشور برشمرده و بر لزوم اهتمام ویژه تمامی مدیران و مسئولان در این حوزه تأکید کرده‌اند. ایشان مبارزه با فساد را نه تنها ضرورتی مدیریتی، بلکه اصلی اساسی برای حفظ اعتماد عمومی و سلامت نظام اسلامی دانسته‌اند.

مؤلفه‌های کلیدی و اساسی مبارزه با فساد اقتصادی از منظر معظم‌له عبارتند از:

الف) خدشه به اعتماد عمومی و ایجاد ناامیدی اجتماعی: ایشان این موضوع را در ردیف سرمایه اجتماعی نظام و انقلاب قرار داده و تأکید کرده‌اند که عدم مبارزه قاطع با فساد، نه تنها به بی‌اعتمادی مردم منجر می‌شود، بلکه امید آنان به آینده را به شدت تضعیف می‌کند. در دیدار با اعضای ستاد مبارزه با مفساد اقتصادی فرمودند: «همه مسئولان باید مبارزه با فساد اقتصادی را به جد پیگیری کنند تا اعتماد مردم خدشه دار نشود.» همچنین در دیدار با کارگزاران حج بیان داشتند که تعلق در مبارزه با فساد، زمینه‌ساز بروز فسادهای گسترده‌تر شده و دل مردم را می‌شکند و سرمایه‌گذاران پاکدامن را مأیوس می‌سازد.

ب) کندی و اخلال در روند پیشرفت کشور: ایشان متذکر شده‌اند که فساد اقتصادی علاوه بر اثرات مستقیم، موجب اختلالات و تفرقه در جامعه و دستگاه‌های حکومتی شده و به عنوان عاملی بازدارنده در مسیر توسعه و پیشرفت کشور عمل می‌کند. در دیدار با مسئولان نظام تصریح کردند که هم مشارکت در فساد و هم چشم‌پوشی از آن، روند پیشرفت را متوقف می‌سازد و گناهان بزرگی به شمار می‌آید.

ج) افزایش شکاف طبقاتی و گسترش فقر: مبارزه با فساد به عنوان یکی از ارکان عدالت اجتماعی، نقش محوری دارد؛ غفلت از آن موجب تشدید فاصله طبقاتی و محرومیت اقشار متوسط و ضعیف از خدمات عمومی می‌شود که خود تضادهای اجتماعی و نارضایتی‌های گسترده‌تری را به دنبال دارد. در بیانیه گام دوم انقلاب آمده است: «عدالت و مبارزه با فساد، دو روی یک سکه‌اند».

د) گسترش فساد سیاسی و تسلط نفوذگران اقتصادی بر سیاست‌ورزی: فساد اقتصادی زمینه‌ساز سلطه سیاسیون منفعت طلب و بازیچه قرار گرفتن نهادهای سیاسی در دست مفسدان است؛ این امر



منافع عمومی را نادیده گرفته و به ضرر اقشار محروم و متوسط جامعه تمام می شود. معظم له در دیدار با مسئولان تأکید کرده اند که مقابله با این فساد، برای حفظ سلامت سیاسی و اقتصادی نظام حیاتی است.

ه) مبارزه با فساد به عنوان شاخص و رکن اساسی انقلاب اسلامی: رهبر انقلاب مبارزه با فساد اداری و اقتصادی را از اصول و شاخص های اصلی انقلاب خوانده و بر ضرورت حفظ سلامت اقتصادی به عنوان پایه مشروعیت حکومتی تأکید کرده اند. ایشان فرموده اند: «فساد اقتصادی و اخلاقی، توده چرکین نظام هاست و نفوذ آن به بدنه حکومت ها، زلزله ویرانگر مشروعیت است.» (و) فساد به مثابه اژدهای هفت سر و موریانه در کالبد نظام: ایشان فساد را به موجودی خطرناک و چندسر تشبیه کرده اند که اگر به صورت کامل با آن مقابله نشود، هر بار سر جدیدی از آن سر برخواهد آورد و گستره آن وسعت می یابد. همچنین فساد همچون موریانه ای است که زحمات خالصانه و تلاش های پاک دستانه کارکنان دولت را نابود می کند و فضای اعتماد و اطمینان را از بین می برد.

در مجموع، از منظر رهبری، مبارزه همه جانبه، مستمر و قاطع با فساد اقتصادی نه تنها ضرورتی اجتناب ناپذیر در مسیر تحقق عدالت و پیشرفت کشور است، بلکه از ارکان حیاتی حفظ مشروعیت و بقای نظام جمهوری اسلامی به شمار می رود و بدون تحقق این امر، زمینه های بی اعتمادی، بی ثباتی سیاسی، و عقب ماندگی اقتصادی شدید خواهد شد. (شایگان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸۵-۲۱۴)

روش شناسی مبارزه با مظاهر فساد اقتصادی از منظر مقام معظم رهبری

در راستای مبارزه نظام مند و عمیق با فساد اقتصادی، مجموعه ای از راهبردها و اصول بنیادین باید به عنوان چارچوبی دقیق و منسجم مورد توجه قرار گیرد که تحقق آن، منوط به عزم راسخ و اراده جهادی کلیه نهادها و دستگاه های حاکمیتی است. در این چارچوب، رعایت نکات ذیل از اهمیت راهبردی برخوردار است:

- اولویت اساسی پیشگیری بر درمان: مبارزه اثربخش با فساد مستلزم اتخاذ رویکردی پیش نگرانه است که با ایجاد و تقویت ساختارها و مکانیسم های پیشگیری، از شکل گیری و تکوین

فساد در مراحل ابتدایی جلوگیری نماید و به جای مداخله پسینی، از بروز این پدیده مخرب در بسترهای اقتصادی و اداری پیش‌گیری کند.

- زدودن بسترها و زمینه‌های مستعد فساد: اصلاح ساختارهای اقتصادی، سیاسی و اداری که امکان و فرصت‌های فساد را فراهم می‌سازند، امری ضروری است تا شرایط مساعد برای انحراف‌های مالی و سوءاستفاده‌ها به حداقل ممکن کاهش یابد.

- برخورد قاطع، عادلانه، سریع و شفاف: اقدام علیه مفسدان می‌بایست با شتاب و بدون تعلل، با رعایت عدالت و به صورت علنی انجام شود تا ضمن بازدارندگی، اعتماد عمومی تقویت گردد.

- عزم جهادی و تصمیم قاطع: اراده ملی و نهادهای حاکمیتی باید با تمام توان و بدون مماشات به مقابله با فساد پردازند و از هرگونه کوتاهی و سستی اجتناب ورزند.

- هوشمندی و تدبیر در مواجهه: مبارزه با فساد باید بر پایه تحلیل دقیق، اتخاذ راهکارهای هوشمندانه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و حقوقی صورت گیرد تا اثربخشی آن افزایش یابد و تبعات ناخواسته کاهش یابد.

- اجتناب از اطاله دادرسی: در پرونده‌های مهم اقتصادی، تسریع در روند دادرسی و پرهیز از طولانی شدن رسیدگی‌ها از ضروریات است تا نتیجه قطعی و سریع حاصل شود.

- نظارت کامل و مستمر: مراقبت بی‌وقفه بر نحوه استفاده از ظرفیت‌ها و منابع داخلی و پیشگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی، به منظور حفظ سرمایه‌های ملی و اقتصادی کشور، از ارکان مهم مدیریت اقتصادی است.

- تعهد عمومی به رعایت حدود قانونی: همه اقشار و نهادها باید متعهد باشند که از چارچوب قوانین و مقررات عبور نکنند تا زمینه بروز فساد محدود و کنترل شود.

- شفاف‌سازی به عنوان شرط بنیادی: فراهم‌سازی دسترسی آزاد به اطلاعات و شفافیت عملکرد نهادها و مؤسسات، بستر اصلی مقابله با فساد و ارتقاء سلامت اداری و اقتصادی است.

- مبارزه جدی با حساب‌های بانکی مشکوک: پایش و مقابله با سوءاستفاده از حساب‌های بانکی غیرشفاف و نامشروع، به منظور قطع مسیر پولشویی و درآمدهای غیرقانونی.



- ایجاد فضای رقابتی سالم و ثبات اقتصادی: تقویت بازارهای آزاد و رقابت پذیر، همراه با حفظ ثبات اقتصادی، موجبات کاهش فساد و ارتقاء بهره‌وری را فراهم می‌آورد.
- پرهیز از سیاسی کاری و جناح بازی: مقابله با فساد باید فارغ از هرگونه تمایلات جناحی و سیاسی باشد تا همگان به عدالت و بی‌طرفی در این عرصه باور داشته باشند.
- مجازات بازدارنده مفسدان در هر جایگاه و رتبه: اعمال مجازات برابر و بازدارنده برای مفسدان، صرف نظر از موقعیت آنان، به منظور عبرت و جلوگیری از تکرار فساد ضروری است.
- برخورد بدون تبعیض: عدالت در رسیدگی به پرونده‌های فساد اقتصادی باید بدون توجه به جایگاه اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی فرد متهم، رعایت شود.
- سلامت اخلاقی و امانتداری مبارزه کنندگان: نیروهای متولی مبارزه با فساد باید خود پاکدامن و امانت‌دار باشند تا سلامت و مشروعیت این فرآیند حفظ گردد.
- فرهنگ سازی مقابله با اشرافیت و رفاه زدگی: پرهیز از اشرافی گری، تجمل گرایی، رفاه زدگی و اسراف، به عنوان فرهنگ غالب، از ملزومات کاهش فساد و ارتقاء معنویت اجتماعی است.
- حذف مناسبات ناسالم و فساد آلود مالی و پولی: اصلاح روابط اقتصادی و مالی ناصحیح و مقابله با هرگونه تبانی، زد و بند و ویژه خواری در این حوزه‌ها الزامی است.
- پرهیز از سوء استفاده از قدرت و منابع ملی برای کسب ثروت های نامشروع: حفظ اموال عمومی و جلوگیری از بهره برداری ناصحیح و خلاف قانون از منابع کشور یک ضرورت امنیت ملی و اقتصادی است.
- اجتناب از واگذاری های نسنجیده: مراقبت دقیق نسبت به واگذاری ها و خصوصی سازی ها به منظور جلوگیری از سوء استفاده و ایجاد زمینه های فساد.
- توجه دقیق به سیاست های اصل چهل و چهار قانون اساسی: بازنگری و اصلاح قوانین مرتبط با اصل ۴۴، به منظور شفافیت و کارآمدی بیشتر در اقتصاد کشور.
- نظارت سختگیرانه بر بازارهای ارز و سکه: به جهت حساسیت و وسعت اثر گذاری، کنترل دقیق و هوشمندانه بازارهای پولی ضروری است.

- حفظ دستاوردهای انقلاب در مبارزه با فساد: مراقبت از کمرنگ شدن یا تضعیف کارنامه درخشان نظام در این حوزه، به منظور تقویت امید عمومی و مشروعیت حکومت.
- پرهیز از ایجاد جنجال‌های تبلیغاتی پیش از حصول نتایج قطعی: جلوگیری از هیاهو و تبلیغات زود هنگام درباره پرونده‌های فساد، که می‌تواند به بی‌اعتمادی و اختلال در روند قضایی منجر شود.
- پرهیز از پیش داوری: حفظ بی‌طرفی و صبوری در رسیدگی به پرونده‌ها به منظور تأمین عدالت واقعی و جلوگیری از آسیب به افراد بی‌گناه.
- اطلاع‌رسانی دقیق و متین: ارائه اخبار و اطلاعات فساد اقتصادی باید منصفانه، دقیق و به دور از اغراق و تبلیغات غیرمنصفانه باشد.
- لحاظ شاخص مبارزه با فساد در بررسی صلاحیت نامزدهای مدیریتی: معیارهای شفافیت و سلامت مالی و اخلاقی باید در ارزیابی صلاحیت مدیران و مسئولان لحاظ شود.
- مراقبت از امنیت روانی مدیران صالح: جلوگیری از ایجاد فضای ناامنی و فشار روانی بر مدیران پاک‌دست و خدمتگزار به منظور حفظ کارآمدی و استمرار خدمت‌رسانی.
- شناسایی و تمرکز بر نقاط آسیب‌پذیر در چرخه مالی و اقتصادی: تشخیص دقیق گلوگاه‌ها و محل‌های بالقوه فساد، جهت تمرکز منابع و اقدامات مقابله‌ای.
- پرداختن به ریشه‌ها و عوامل بنیادین فساد: تمرکز بر مباحث زیربنایی و ساختاری فساد به منظور رفع علل اصلی آن، نه صرفاً مقابله با مظاهر ظاهری.
- مراقبت از القای عمومی بودن فساد: پرهیز از تعمیم و القای این تصور که فساد سیستمی و همه‌جانبه است، که به تضعیف اعتماد عمومی منجر می‌شود.
- رد وجود فساد سیستمی در کشور: تأکید بر این نکته که فساد به عنوان یک پدیده فراگیر و نهادی در نظام وجود ندارد، بلکه مواردی خاص و محدود است.
- وجود پاک‌دستی و سلامت در اکثریت قاطع مدیران و کارگزاران کشور: به رسمیت شناختن و تقدیر از تلاش‌های خالصانه اکثریت مدیران و کارکنان نظام.



- بستن مسیرهای فساد در مدیریت های کلان: اتخاذ تدابیر سختگیرانه و جامع برای جلوگیری

از نفوذ فساد در سطوح بالای مدیریتی و تصمیم گیری کشور. (جلوداریان، ۱۳۹۸: ۲-۴)

موانع سیاسی و اقتصادی در مبارزه با مفاسد اقتصادی

بدون شک، یکی از عوامل بنیادین ناکارآمدی در مقابله با جرائم اقتصادی، فقدان شناخت دقیق و همه جانبه از چالش ها و منابع موثر در این عرصه است. وضع هرگونه قوانین یا اتخاذ تدابیر اجرایی بدون تأمل و تأمین شناخت عمیق از علل و ریشه های اساسی این معضل، نه تنها بی حاصل بلکه ممکن است به افزایش پیچیدگی ها و ناکامی های بیشتر منجر شود. از این رو، شناسایی جامع و علمی موانع و مشکلات پیش روی مبارزه با جرائم اقتصادی، به مثابه گامی ضروری و پیش نیاز اساسی در طراحی راهکارهای علمی، کارآمد و عملیاتی به شمار می رود. بنابراین، این بخش از پژوهش با رویکردی تحلیلی و علمی، به بررسی عمیق چالش های موجود در حوزه مقابله با جرائم اقتصادی می پردازد و تلاش می کند راهکارهایی مبتنی بر شواهد و تجارب علمی و اجرایی ارائه نماید تا ضمن بهبود فرآیند مبارزه، بستر مناسبی برای سیاست گذاری های هدفمند و اثربخش فراهم آورد. (وفادار و بهرامی، ۱۳۹۷: ۱۴۲)

موانع سیاسی و اقتصادی در مبارزه با مفاسد اقتصادی به شرح زیر می باشد:

بدون تردید، در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران، قوه مقننه که شامل مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان می باشد، از حیث اختیارات و صلاحیت های قانونی مندرج در اصول هفتاد و دوم و هفتاد و ششم قانون اساسی، مسئولیت پیگیری و رسیدگی به پرونده های مرتبط با فساد مالی و اقتصادی را بر عهده دارد. این نهاد قانون گذار علاوه بر وظیفه قانون گذاری در حدود مقرر، حق تحقیق و تفحص در کلیه امور کشور را نیز داراست که این امر بستر نظارتی و کنترلی قدرتمندی را برای مقابله با مفاسد فراهم می آورد (اشرفی، ۱۳۹۲: ۱۳)

یکی از خلاهای جدی در مسیر مبارزه با فساد اقتصادی، فقدان تعریف مشخص و جامع از جرم اقتصادی در قوانین جاری است که این ضعف قانونی زمینه ساز برداشت های متناقض و گاه متفاوت از مصادیق و ماهیت جرائم اقتصادی شده است. در حقیقت، قانونگذار تنها در ماده دوازدهم به

جرم‌انگاری انتقال صوری پرداخته و سایر مصادیق را به طور روشن تعیین نکرده است، حال آنکه قانون کامل، باید علاوه بر تعیین رفتارهای ممنوعه، ضمانت اجرای مناسبی برای تخطی از آن‌ها نیز مشخص نماید. این نقص، یکی از عوامل افزایش میزان جرائم و مفساد اقتصادی در سال‌های اخیر قلمداد می‌شود (زرگری، ۱۳۹۷: ۱۶۸).

از دیگر موانع عمده در عرصه مقابله با مفساد اقتصادی، وجود تورم و تکثر قوانین است. به دلیل تعدد نهادهای ذی‌صلاح در قانون‌گذاری از جمله مجلس خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی که هر یک بر اساس اختیارات قانونی قادر به وضع مقررات در حوزه مفساد اقتصادی هستند، همپوشانی و پراکندگی قوانین باعث پیچیدگی و دشواری در اجرای صحیح آن‌ها شده و مشکلات عدیده‌ای را ایجاد می‌کند (نورائی، ۱۳۹۴: ۴).

نارسایی دیگری که به طور چشمگیری کارآمدی مبارزه با فساد مالی را کاهش داده، فقدان تناسب میان میزان مجازات‌ها و نوع جرائم مرتبط با پرونده‌های فساد مالی است. علی‌رغم تأکید فراوان بر ضرورت مبارزه با جرائم اقتصادی، بسیاری از اقدامات صورت گرفته به دلیل نبود ساختار منسجم و سازمان یافته که دارای اختیارات قانونی و پاسخگو به چرایی بروز فساد باشد، ناکام مانده‌اند. این کاستی، امکان مقابله قاطع با مفسدان و مجرمان اقتصادی را به شدت کاهش داده و دستیابی به هدف نهایی یعنی ریشه کن کردن فساد اقتصادی را با موانع جدی مواجه کرده است. شایان ذکر است که تحقیقات پیشین کمتر به ضرورت ایجاد سازمانی پاسخگو و متولی در این زمینه پرداخته‌اند، اگرچه استقلال قانونی این سازمان مورد اشاره قرار گرفته است (وفادار و بهرامی، ۱۳۹۵: ۱۵۶).

اصل مهم تناسب میان جرم و مجازات، بر اساس قواعد عدالت و انصاف استوار است و مشروعیت آن از اصول صد و شصت و نهم قانون اساسی و مواد دوم و دهم قانون مجازات اسلامی اخذ می‌شود. همچنین، اصل سی و ششم قانون اساسی به صراحت اعلام می‌کند که هرگونه صدور حکم مجازات باید صرفاً توسط دادگاه صالح و بر اساس قانون صورت پذیرد. قاعده فقهی «قبح عقاب بلا بیان» نیز تأکیدی است بر اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها (زرگری، ۱۳۹۷: ۱۷۱).



از دیگر چالش های اقتصادی و مالی، وجود پرداخت هایی است که عرضه و تقاضا را برابر می کند و شکاف عرضه و تقاضا، انگیزه فساد در میان کارکنان و مسئولان دولتی را تقویت می نماید؛ مانند پرداخت هایی برای کسب امتیاز بنگاه های در حال خصوصی سازی، خرید اطلاعات یا نفوذ سیاسی، و همچنین پرداخت هایی جهت تأثیرگذاری بر تصمیمات قضایی. علاوه بر این، عدم تقارن اطلاعاتی، شامل نابرابری در مقررات بانکی و نظام مالیاتی، نابرابری های اجرایی در نظام اداری نا کارآمد و عدم توازن اقتصادی در توزیع درآمدها، به طور مستقیم بازار کالاها و خدمات غیرقانونی را تغذیه می کند. این وضعیت موجب کاهش شفافیت، دشواری در انجام حسابرسی های موثر و افزایش انگیزه های معاملات غیرقانونی می گردد که نهایتاً در بخش هایی از جامعه، به ایجاد یأس و توجیه فساد مالی به منظور بازتوزیع ثروت می انجامد (اعظمی مقدم، ۱۳۹۰: ۵)

در نهایت، از سیاست های اساسی و کلیدی مبارزه با فساد اقتصادی و اصلاحات ساختاری اقتصادی می توان به ایجاد نهادهای تخصصی در این حوزه، افزایش دستمزد بخش عمومی، کاهش حجم و اندازه دولت در اقتصاد، انجام حسابرسی های مالی دقیق، استقلال رسانه های جمعی و دستگاه قضایی، مشارکت فعال شهروندان، تمرکززدایی و اصلاح فرهنگ جامعه اشاره نمود. اجرای این سیاست ها می تواند به پویایی اقتصاد ملی منجر شده و زمینه رشد و شکوفایی اقتصادی کشور را فراهم آورد.

نتیجه گیری

یافته های پژوهش های انجام شده نشان می دهد که اصلی ترین ریشه های فساد اقتصادی در بخش عمومی به تصدی گری های گسترده دولت در عرصه اقتصاد مربوط می شود. این عوامل شامل محدودیت های تجاری، اعطای یارانه های صنعتی غیر کارآمد، کنترل های قیمتی متعدد، وجود نرخ های چندگانه ارز، دستمزدهای ناکافی در بخش خدمات دولتی و تجاری، و همچنین مدیریت منابع طبیعی از جمله نفت است. فساد اقتصادی با ایجاد اختلال در فرآیندهای سرمایه گذاری، موجب کاهش سرعت رشد اقتصادی و ناکامی در تحقق اهداف توسعه پایدار اقتصادی کشور

می‌گردد. به تبع آن، درآمدهای مالیاتی دچار کاهش شده و کیفیت زیرساخت‌های اقتصادی و خدمات عمومی به شدت تنزل می‌یابد.

در چارچوب سیاست‌های بنیادین مبارزه با فساد اقتصادی و اصلاحات ساختاری اقتصادی، تأسیس نهادهای تخصصی و مستقل در این حوزه، افزایش سطح دستمزدها در بخش عمومی، کاهش مداخله بی‌رویه دولت در اقتصاد، اجرای حسابرسی‌های مالی دقیق و جامع، تضمین استقلال رسانه‌های جمعی و دستگاه قضایی، ارتقای مشارکت فعال شهروندان، تمرکززدایی از قدرت، و اصلاح فرهنگ سازمانی و اجتماعی از جمله راهکارهای کلیدی معرفی شده‌اند که قادرند به ایجاد پویایی و شفافیت در اقتصاد ملی منجر شوند و نهایتاً موجبات رشد و شکوفایی اقتصادی پایدار را فراهم آورند.

نتایج حاصل از تحقیق همچنین حاکی است که راهبردهای مؤثر مقابله با فساد مالی و اداری باید مبتنی بر نظامی کارآمد در مواجهه با تخلفات، ارتقاء شفافیت و پاسخگویی، نظارت دقیق و مستمر، تقویت ارزش‌های اخلاقی و کرامت انسانی، چابک‌سازی ساختارهای اداری، افزایش ظرفیت‌های مردمی، ساماندهی اقتصادی و همسویی استراتژیک میان سیاست‌ها باشد.

از منظر پیامدها، فساد اقتصادی دارای تأثیرات چندجانبه‌ای است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: تضعیف امنیت اقتصادی، ایجاد بی‌ثباتی در ساختارهای اجتماعی و سیاسی کشور، گسترش فعالیت‌های زیرزمینی و غیررسمی، کاهش جذابیت و اختلاف سرمایه‌گذاری بلندمدت داخلی و خارجی، انحراف منابع و اولویت‌ها، هدررفت استعدادهای انسانی، افزایش هزینه‌های معاملات تجاری و تعمیق فقر در جامعه.

نگاه حضرت امام خمینی^(ره) به اقتصاد، فارغ از صرف اهداف مادی و اقتصادی است و اقتصاد را وسیله‌ای برای تحقق تکامل معنوی جامعه می‌دانند. همچنین، تبیین و پیاده‌سازی نظام اقتصادی مبتنی بر اصول اسلام بر عهده علما، محققان و کارشناسان مسلمان و متعهد است که باید این نظام را با در نظر گرفتن مقتضیات و نیازهای روز استخراج و برنامه‌ریزی نمایند.



از منظر رهبر معظم انقلاب، اهمیت مبارزه با فساد اقتصادی در قالب محورهای زیر برجسته

شده است:

- فساد اقتصادی به عنوان پیش شرط و لازمه تحقق عدالت و از شاخصه‌های اصلی دولت اسلامی به شمار می‌رود.

- مبارزه با فساد برخاسته از نیازها و مطالبات حقیقی مردم است.

- جهاد واقعی و یکی از ارکان مهم مدیریت اقتصادی کلان کشور محسوب می‌شود.

- از نخستین اصول حکمرانی حضرت امیرالمؤمنین^(ع) بوده است.

- جزء اصول بنیادین انقلاب اسلامی و شاخصه‌های اصلی اصول‌گرایی است.

- از مؤلفه‌های اصلی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که با جلوگیری از فساد در حوزه‌های پولی، تجاری و ارزی، از سیاست‌های کلان اقتصادی کشور به شمار می‌آید.

- مبارزه با فساد، از وظایف نظارتی مجلس شورای اسلامی نیز محسوب می‌شود.

شاخصه‌های کلیدی مقابله با فساد از منظر مقام معظم رهبری در سه محور اصلی مبارزه با فقر،

فساد و تبعیض تبلور می‌یابد و در کنار آن، محورهای فرعی همچون گسترش عدالت اجتماعی،

شفافیت در محیط جامعه، ارتقای سلامت اداری و اقتصادی و مسدودسازی مسیرهای ظهور فساد

نیز مطرح می‌شوند.

امام خمینی^(ره) نیز بر لزوم ریشه‌کنی همه عوامل و انگیزه‌های فساد در زمینه‌های اجتماعی،

اقتصادی و فرهنگی با جدیت و قاطعیت تأکید فرموده‌اند.

فساد اقتصادی، در واقع نقض قوانین موجود به منظور تأمین منافع و سود شخصی است که

افزایش آن موجب ناکارآمدی سیاست‌های دولتی می‌گردد. فساد مالی با مخدوش کردن ماهیت

سرمایه‌گذاری و اقتصاد، به گسترش رانت و فعالیت‌های زیرزمینی دامن می‌زند.

در مجموع، وقوع فساد اقتصادی در بخش عمومی ارتباط تنگاتنگی با سیاست‌های اقتصادی

دولت، از جمله کنترل‌ها و مداخلات متعدد دارد که موجب کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش رشد

اقتصادی، تضعیف درآمدهای مالیاتی و افت کیفیت خدمات عمومی می‌شود.

نظام جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی در ابعاد مختلفی از جمله دفاعی، علمی و استقلال سیاسی توانسته است موفقیت‌های قابل توجهی کسب نماید، اما در حوزه اقتصادی با وجود برخی دستاوردها، هنوز با مشکلاتی در کارآمدی و اثرگذاری مثبت مواجه است.

فساد و جرم اقتصادی نیز در ایران، همچون دیگر کشورهای جهان، بخشی از چالش‌های کلان حکمرانی است. با این حال، تفاوت ساختار سیاسی و ارزشی نظام جمهوری اسلامی به رغم تسهیل فرآیند مبارزه با فساد، پیچیدگی‌های خاصی را در این مسیر ایجاد کرده است.

یکی از دغدغه‌های اصلی نهادهای علمی، سیاست‌گذاری و اجرایی کشور، شناخت علل و پیامدهای فساد و تدوین راهکارهای مؤثر برای پیشگیری و مقابله با آن است تا چرخه سیاست‌گذاری به صورت بهینه در مراحل شناسایی مسئله، تدوین و اتخاذ سیاست، اجرا و ارزیابی به اجرا درآید.

فساد مالی و اقتصادی، به معنای انواعی از تخلفات از جمله رشوه، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی، انحراف منابع عمومی، تقلب در معاملات، قاچاق و پول‌شویی است که توسط افراد جهت کسب منافع اقتصادی انجام می‌شود و بستر اصلی تهدید ثبات و توسعه اقتصادی کشور را فراهم می‌آورد.

پیشنهاد‌های پژوهشی

۱. تحلیل و تبیین تناقضات حقوقی، ابهامات ساختاری و خلأهای قانونی که بسترهای مساعد برای وقوع فساد اقتصادی را در فرآیند مناقصات دولتی فراهم می‌آورند، با رویکردی جامع و تحلیلی مبتنی بر مبانی فقهی و حقوقی؛ به گونه‌ای که این تحلیل‌ها به شناسایی دقیق نقاط ضعف نظام قانونی موجود و ارائه راهکارهای اصلاحی جهت رفع این آسیب‌ها منجر شود.

۲. بهره‌گیری از الگوها و چارچوب‌های سازمان‌های بین‌المللی معتبر همچون سازمان بین‌المللی شفافیت که تجارب ارزنده و اقدامات مؤثری در زمینه پیشگیری و مقابله با فساد اقتصادی در مناقصات دولتی به ثبت رسانده‌اند؛ و تبدیل این آموزه‌ها به برنامه‌های عملیاتی بومی‌سازی شده با توجه به اقتضائات فرهنگی، حقوقی و ساختاری نظام جمهوری اسلامی ایران.



۳. شناسایی و واکاوی دقیق زمینه ها و مصادیق بروز فساد اقتصادی در سایر فرآیندهای ارجاع کار، نظیر مزایده ها و سایر معاملات مرتبط با اموال عمومی، که به دلیل اهمیت و حجم مبادلات مالی در آن ها، امکان وقوع فساد و سوءاستفاده از اموال عمومی، بسیار محتمل و نیازمند راهکارهای پیشگیرانه و نظارتی کارآمد است.

۴. مطالعه امکان سنجی تأسیس و راه اندازی یک نهاد نظارتی مستقل، متکی بر مبانی حقوقی و سازوکارهای اجرایی کارآمد، که به صورت تخصصی و فراگیر بر معاملات و قراردادهای دولتی نظارت نماید؛ این نهاد با برخورداری از استقلال ساختاری، مالی و عملکردی، قادر خواهد بود زمینه های بروز فساد را به موقع شناسایی، موانع قانونی را رفع و تضمین کننده شفافیت، پاسخگویی و سلامت اقتصادی در قراردادهای دولتی باشد.

منابع و ماخذ

- آژینی، محسن (۱۳۹۶). اندیشه های اقتصادی امام خمینی (ره). تهران، انتشارات کیهان: ۲۱۳-۱۲۸.
- اشرفی، ارسلان (۱۳۹۲). پیشگیری از رشوه و مقابله با آن، فصلنامه کارآگاه، سال ششم، شماره بیست و دوم: ۱۳.
- اعظمی مقدم، مجید (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی الزامات رسیدگی به جرائم اقتصادی در سایر کشورها؛ راهکار مناسب برای پلیس ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی امین: ۵.
- جلوداریان، امید (۱۳۹۸). اهمیت، بایدها و پیامدهای مبارزه با فساد اقتصادی در کلام رهبر معظم انقلاب (بر اساس بیانات مقام معظم رهبری بین سال های ۷۶ تا ۹۸). مرکز پژوهش خبری معاونت سیاسی صدا و سیما، تهران: ۴-۲.
- حسینی خامنه ای، سید علی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.

- خضری، محمد (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی روش‌های مبارزه با فساد اداری در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره چهارم: ۸۱۳-۸۲۶.
- خمینی، سید روح‌اله (۱۳۹۲). حکومت اسلامی و ولایت فقیه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره). تهران: ۳۶۵.
- خمینی، سیدروح‌اله (۱۳۸۹). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، جلد ۱۸.
- رحیمیان، نرگس (۱۳۹۶). بررسی فساد اقتصادی و راه‌های مبارزه با آن، مجله اقتصادی، شماره‌های ۹ و ۱۰: ۱۰۳-۱۱۶.
- زرگری، نسترن (۱۳۹۷). چالش‌های فراروی قوه مقننه در مبارزه با مفاسد اقتصادی. مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره سوم، شماره سی و یکم: ۱۷۱-۱۶۸.
- زمانی، علی اکبر (۱۳۸۸). درآمدی بر ابعاد مفاسد و جرایم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی، نشریه کارآگاه، سال دوم، شماره ۱۵.
- شایگان، فریبا و همکاران (۱۴۰۰). واکاوی مبارزه با فساد اقتصادی از دیدگاه مقام معظم رهبری، فصلنامه علمی کارآگاه، دوره پانزدهم، شماره پنجاه و ششم.
- فرج پور، مجید (۱۳۸۱). فقر، فساد و تبعیض: موانع توسعه در ایران، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- لطفیان، سعیده (۱۳۸۵). پیامدهای امنیتی فساد اقتصادی-سیاسی در کشورهای در حال توسعه. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۱.
- نورائی، مهدی (۱۳۹۴). وحدت یا تعدد مراجع مقرر در نظام جمهوری اسلامی ایران و تاثیر آن بر نظام حقوق اداری، مجله حقوقی، سال چهارم، شماره دومک: ۴.
- وفادار، حسین و بهرامی، سهراب (۱۳۹۷). بررسی چالش‌های مبارزه با جرائم اقتصادی و راهکارهای پیشنهادی، پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال یازدهم، شماره ۱، علمی پژوهشی، وزارت علوم: ۱۴۱-۱۶۰.

- Azfar and Others (2010). The Causes and Consequences of Corruption.. AAPSS. N. 573.
- Di Morris (2017). A Study of Market Corruption Research: Market Research ADB/OECD Anti-Corruption Initiative for Asia and the Pacific.
- Gilling Daniel; crime prevention , London and New your, Roudge publishing ,2005. P 4.
- Janson P• Matechak I (2007). Combating Corruption in Government Procurement, The Welfare State, Public Investment and Growth.
- Kaufman, Daniel & Shang-Jin Wei (1999). "Does grease money speed up the wheels of commerce? Policy Research Working Paper Series 2254, The World Bank". Other versions.
- Kaufmann, D. , and S. Wei (1998). "does grease money speed up the wheels of mineo, Harvard University".
- Koh Teck Hin. (March 2011). THE 13TH INTERNATIONAL TRAINING COURSE ON THE CRIMINAL. Tokyo, Japan: United Nations Asia and Far East Institute for the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders(UNAFEI),available at:http://www.unafei.or.jp/english/pdf/RS_No83/No83_00All.pdf
- Lambsdorff, Johann Graf (2007). "The Methodology of the Corruption Perceptions Index, Transparency International and University of Passau".
- Lowesman Richard (2015). Investigating the Impact of Economic Freedom on Economic Growth with an Institutionalist School Approach with a Causal Study, Center for the Study of Democracy (CSD).
- Pilly, p (2010). Investigating the Causes of Corruption in South Africa, American Journal of Economics and Business Administration.
- Segraves,Julie (2013). www.ehow.com/info-8491730-types-business-corruption.html, Accessed on April.
- Tanzi, Vito & Davoodi, Hamid (2007). Corruption, Public Investment, and Growth; The Welfare State, Public Investment and Growth.

